

[۵] نقد اصلاح طلبی  
راز ماندگاری آن[۶] پیروز حناچی؛ نخستین شهردار  
ترک تبار و متخصص تهران[۷] سطح توقع مردم از زندگی  
در دوران هاشمی افزایش یافت

سرمقاله

## فریاد، سکوت، شورش یا همراه شدن وطن مظلوم من

نمی‌کند، بلکه آن رشادت و ایستادگی را منشأ تحولاتی می‌داند که هنوز هم ادامه دارد. اهمیت این نکته از آن روست، در دوره و زمانهای که هرگونه مقاومتی عملی بی‌حاصل و مذبوم به حساب می‌آید، نه تنها استقامت آنان را بی‌حاصل نمی‌داند بلکه چون جامعه نوین امروز ما بر همین مجاهدت‌ها و هزینه‌هایی که پرداخته شده بنا شده، شایسته تقدیر هم هست حتی از سوی کسانی که سرسختانه با هرگونه حرکت رادیکالی سر ستیز و مخالفت دارند؛ چرا این چنین است؟ به نظر من چون راهی که برگزیده بودند درست بود. بدین معنا که دقیقاً بر چیزی پافشاری می‌کردند که فونداسیون نظم نوین اجتماعی محسوب می‌شود و از آن منزل ناچاراً باید عبور می‌کردیم و در همین راستا معلوم می‌شود هر هزینه دادنی بد نیست آنچه هزینه دادن را مذبوم و نامطلوب نشان می‌دهد، نادرستی راه برگزیده است.

از اینجاست که رسیم به آنچه مدعی ماست؛ یعنی استانداردهای مفاهیم؛ کاری که سال‌ها پیش باید انجام می‌شد و در آغاز هر حرکت، هر جنبش و هر انقلابی باید انجام پذیرد تا بتواند اراده‌های تحریف را مهار و کنترل کرده و از بیراهه‌هایی که به نام انقلاب، جنبش اصلاح طلبی و غیره هر آن ممکن است موجب تحریف آن شود، جلوگیری شود.

موضوع دیگر که قصد اصلی ما از نوشتن این سخن آن است؛ تلاشی است برای استانداردسازی مفهوم وطن پرستی. برگردیم به روایت اصلی این سخن سید حسن تقی زاده می‌گوید در محاصره تبریز خبری به ستارخان رسید که دولت روسیه تزاری در پشت مرزهای کشور آماده است تا برای کمک مردم محاصره تبریز وارد خاک ایران شده و محاصره تبریز را بشکند (اگر امروز چنین اتفاقی می‌افتاد چنانچه می‌بینیم متأسفانه تحریم‌های آمریکا سبب هلهله و شادی برای بعضی‌ها در داخل و خارج شده و از تحریم‌های آمریکا علیه ایران هم استقبال می‌کنند؟! بعد از شنیدن این خبر اشک در چشمان ستارخان جمع شد و به من مطالبی را اثناء کرد تا خطاب به محمدعلی شاه بنویسم... ستارخان نوشت اختلاف ما و شما مانند اختلاف پدر و پسر، یک اختلاف خانوادگی است و به خودمان مربوط است نه اجنبی. من خودم را تبعید کرده (و از همه مجاهدت‌ها و زحمات کشیده شده برای مشروطیت، به خاطر وطن گذشته) و از این شهر می‌روم ولی شما نیز محاصره تبریز را بشکنید تا اجازه ندهد ما باشیم بیگانه به این بهانه وارد خاکمان شود.

تقی زاده می‌گوید بغض گلوی ستارخان را گرفته بود و اشک بر گونه‌هایش جاری بود و بروی کاغذ نامه می‌چکید و به من اثناء می‌کرد من هم می‌نوشتیم و گریه می‌کردم و به

ادامه در صفحه بعد



علی مهری

Ali.mehri41339@gmail.com

می‌خواستیم دست به قلم ببریم و بنویسیم از روایتی که برای اصلاح طلبی داشتیم اما حقیقتاً دیدم مظلوم‌تر از وطن وجود ندارد. فضای مجازی پر است از مرثیه‌ای که برای وطن سر داده می‌شود. بیچاره وطن! در طی این پنجاه شصت سال اخیر انواع وطن پرستی را دیده‌ایم. از وطن پرستی سازمان‌های به اصطلاح مبارز خلق (مجاهدین خلق، فدائیان خلق، پیکار و راه کارگر و ...) تا وطن پرستی مدعیان انقلاب اسلامی (فدائیان اسلام، مجاهدین انقلاب اسلامی، هیئت‌های مؤتلفه اسلامی، جامعه و مجمع روحانیون مبارز و گروه‌های ریز و درشت مانند دفتر تحکیم و احزاب نوپایی که در سال‌های اخیر پایه عرصه عمومی نهادند) همه در وطن دارند؟! سؤال اینجاست اگر این همه گروه و تشکل سوز و وطن دارند، چرا وطن این همه در رنج و آلم به سر می‌برد؟ چرا وطن روز به روز نحیف‌تر و رنجورتر می‌شود؟

مطالعه تاریخ درس‌های زیادی برای ما از وطن پرستی دارد و این که کدام وطن پرستی راستین است و کدام دروغین و کدام یک دوستی خاله خرسه؟! داستان مشروطیت مملو از رشادت و وطن پرستی مردمی دست از جان شسته است؛ اما داستان ستارخان داستان دیگری است و به نظر من آنچه ستارخان را در اوج قرار می‌دهد چیزی نیست جز درک درست او از وطن.

بعضی‌ها تصور می‌کنند ستارخان در استبداد صغیر یگانه شد، البته شد در همان رادمردی و تن‌ندادن به ظلم و ستم و استبداد ولی نه در همان محاصره تبریز که در آن صورت بسیاری دیگر هم با او بودند از انجمن غیبی و خارج از آن، آنچه اما او را متمایز از دیگران ساخت تعبیر درست او از وطن و وطن پرستی بود.

روایتی که می‌خواهم باز گو کنم به نقل از سید حسن تقی زاده است که در انجمن مهرگان هر از گاهی سخنرانی داشت؛ اما قبل از آن می‌خواهم اولین درسی که از تاریخ مشروطیت البته در دوره استبداد صغیر می‌توان گرفت، اشاره کنم که درس‌های مشروطه بسیار است اما به بیان فقط دو درس از آن یعنی آنچه برای امروز ما از آن شب هم واجب‌تر است می‌پردازم.

در جریان همین استقامت و محاصره تبریز، مردم تبریز برای سد جوع و رفع گرسنگی مجبور شدند به باغات اطراف تبریز برای خوردن گیاهان روئیده در صیفی جات بروند. امروز کسی آنان را به خاطر این صبر و تحمل نه تنها سرزنش



# تله‌های خود ساخته اصلاح طلبان وراه‌های برون رفت از آن [۲]

[۷] سیاست‌های جمعیتی ضد توسعه  
در تاریخ معاصر[۶] سمن‌ها و چگونگی ارتقا  
مشارکت‌های اجتماعی

[۳]

از پروتکل الحاقی تا اف‌ای تی اف

مشکل حکایتی است

که تقریر می‌کنند

[۳]

FATF

به مثابه پلیس اقتصادی



سرمقاله

وطن مظلوم من

ادامه از صفحه اول

روایتی نیز وقتی محمدعلی شاه آن نامه را می خواند گریه می کرده است. فرض کنیم ما پادشاهان یا پادشاهانی منزل اختلاف داریم و باز تصور کنیم خانواده مان با هم مسایه مان وارد اختلاف شده است حق یا ناحق. شما یا من آیا ممکن است بجای آن که طرف پدر مان را بگیریم، طرف همسایه را بگیریم؟! اصلاً تصورش هم محال است. ما را چه شده است؟ به کدامین قبله ایم؟ چرا دچار اشتباه شده ایم؟ آمریکا ما را تحریم کرده است بجای دلسوزی به همدیگر و حمایت از هم وطن سوجدویانه و فرصت طلبانه فقط به دنبال منافع و مصالح شخصی باندی گروهی و جناحی مان بوده و با این کار خود قبل از هر چیز زندگی را بر خود مان و جامعه و دیگران سخت کرده ایم. از این بگذریم که آب به آسیاب دشمن ریخته و چاه برای وطن و هم وطن می کنیم و نیز بگذریم از آنانی که در بزنگاه های این کشور غیر مسئولانه رفتار نموده و با دشمن این ملک و مملکت در یک جبهه قرار گرفته اند و همراه نیروهای دشمن علیه این وطن جنگیده اند. در حالی که مدعیان عشق به وطن بوده است؟! اکنون نیز به سبب اعمال تحریم های جدید مشغول لهله و تیریک به هم هستند و بسان دو تیغه به ظاهر مخالف در (داخل و خارج) نان به هم حواله می دهند! ستار خان اما نشان داد زمانی که موضوع وطن است، از همه از مان ها و دغدغه ها و اعتقادات و... باید دست شست و به دشمن اجازه نداد رخنه کند و این است که بعد از فتح تهران همه مبارزان مشروطه چی او را در صدر مجلس شورای ملی نشانده و ملقب به سردار ملی نمودند. با آن که دیگران در غیاب او تهران را فتح کرده بودند و او خود را بعد از فتح تهران از تبعید خود خواسته و رسانده بود.

چه انقلابی باشیم چه غیر انقلابی اولویت اول ما کشور و وطن است و می بایستی همه چیز را فدای وطن کرد. چرا که اگر کشتی وطن نباشد، نه از ایران و ایرانیت اثری خواهد ماند و نه از اسلام و نه از انقلاب. نه از اصلاحات و نه از هر جنبش دیگری اثری نخواهد ماند. اگر کشوری نباشد، در کجای می توان به دنبال تحقق ایده ها و آرمان ها برای بهروری ایران و مردمانش بود؟ یعنی در مقام انتخاب بین مکتب و انقلاب با کشوری به عنوان یک انقلابی معتقد کشور بر هر آرمان و ایده ای مقدم است و در مقام انتخاب بین انقلاب و اصلاح طلبی هم معتقدم انقلاب بر اصلاح طلبی مقدم است و در مقام اصلاح طلبی با منافع باندی و تشکیلاتی، منافع اصلاح طلبی ارجح خواهد بود. مسئولیت هایی که پیش روی ما قرار دارد به عنوان سه گانه مسئولیت پذیری اگر ملاک عمل و انتخاب باشد، هیچ گاه دچار تلاطم و بحران نخواهیم شد.

آنانی که در مقام دفاع از انقلاب و در پست های اصلی نظام قرار دارند حفظ کشور برای آنان می بایستی بر حفظ انقلاب و نظام بر خاسته از آن اولی تر باشد و بتوانند انقلاب و نظام را فدای وطن نکنند. این چنین است که هم خود جاودانه می شوند و هم انقلاب و دین و مکتبی که برای آن می جنگند را جاودانه خواهند ساخت.

# تله های خود ساخته اصلاح طلبان و راه های برون رفت از آن



و چهره تری دارند - داشته باشد تعداد اعضا این تشکیلات را تا حد دو برابر (حداقل ۲۹۰ نفر و حداکثر دو برابر این تعداد) بالا برد. این مجلس در تمام مراکز استان ها و شهرستان های بزرگ کشور تشکیلات تابعه خودش را ایجاد می کند و محوریت فعالیت اصلاح طلبان را بر عهده می گیرد. در کنار این تشکیلات احزاب هم جداگانه کار خود را انجام می دهند. حال ممکن است در این مجلس از حزبی یا انجمنی ۱۰ عضو باشد و از حزب یا انجمنی فقط یک نفر حضور داشته باشد. فقط برای اینکه شمولیت لازم وجود داشته باشد می توان برای هر حزب حداقل یک سهمیه - بدون توجه به نمایندگانی منتخب آن حزب از نظر گستره جغرافیایی - در نظر گرفت. اگر قرار است اولویت با کار حزبی باشد و حرکت جناحی فقط در مواقع انتخابات مجلس و ریاست جمهوری صورت گیرد و اولویت دوم باشد راهکارهای زیر می تواند مدنظر قرار گیرد: احزاب و انجمن ها طبق روال کار خود را انجام دهند و به گسترش و توسعه تشکیلاتی خود بپردازند و جهت ایجاد هماهنگی های بین خود تشکیلات شناخته شده شورای هماهنگی را داشته باشند. در این تشکیلات هر حزب و انجمن یک رأی دارد و مشابه خود را نیز در مراکز استان ها و شهرستان های بزرگ ایجاد می کند و در مواعید انتخابات، شورای سیاست گذاری اصلاح طلبان را شکل دهد که علاوه بر نمایندگان احزاب و انجمن ها از افراد غیر حزبی جناح اصلاح طلب نیز در ساختار خود بهره می برد و با توجه به اینکه بحث بستن لیست های انتخاباتی را در دستور کار دارد لازم است که سهم رأی هر کدام از احزاب و انجمن ها در آن بر اساس شاخص هایی کمی و قابل اندازه گیری تعیین شود.

● در رابطه با مسئله تهران نیز در هر دو حالت بهتر است ساختار تهران نیز مشابه بقیه مراکز استان ها و شهرستان های بزرگ مجزا گردد. این مسئله هم به اصول دموکراسی نزدیک تر است و منجر به تمرکززدانی می شود و هم مانع از گسترش مسائل پایتخت به سایر شهرستان ها و استان ها می گردد. این روش باعث می گردد بسیاری از فعالین سیاسی تهران نیز در همان سطح منطقه ای خود فعالیت کنند و فقط شخصیت های ملی یا نزدیک به ملی در حوزه کشوری به کسب کسب بپردازند. در این حالت شخصیت های ملی می توانند وقت بیشتری را برای ساماندهی وضعیت اصلاح طلبان در سراسر کشور صرف کنند.

● در رابطه با تله های چهارم و پنجم نیز بهتر است در ابتدا موضوعات این چنینی در کار گروه های کارشناسی مشکل فعالیت حزبی اصلاح طلب با در قالب کارگاه و همایش طرح شود و بعد از تکمیل به سطح مدیران و شوراهای تصمیم گیر رسانده شود. مسئله ای که در حال حاضر پیش آمده، این اولویت بندی حتی در سطوح بالای تصمیم گیران جناح اصلاح طلب کشور نیز خلط و مدام باعث اصطکاک شده و مشخص نیست که قرار است در دورنمایی نزدیک، کار با اولویت جناح اصلاح طلب پیش برود یا اولویت احزاب اصلاح طلب و بسیاری در این میان با خلط کردن در موضوع با هم مانع از رسیدن به تصمیم گیری صحیح می شوند.

● پارلمانی مشابه مجلس فعلی ایران (بر اساس جمعیت و گستره جغرافیایی) ایجاد و بدون توجه به مناسبات حزبی، افراد و جبهه المله اصلاح طلب را از سراسر کشور، در این مجلس متمرکز نشود و برای اینکه بتوان پوشش مناسب تر و واقعی تری - بعضی مناطق فعالین سیاسی بیشتر

در ادامه و تکمیل این مسیر در انتخابات سال های بعد - مجلس ۹۴ و شوراهای ۹۶ - مجدداً اصلاح طلبان توانستند علیرغم در صلاحیت گسترده نامزدهای اصلاح طلب، با ایجاد ساختاری به نام شورای عالی سیاست گذاری پیروزی انتخاباتی را در آغوش کشند و لیستی توافقی را با نام امید راهی ارکان قدرت نمایند. گرچه این فرایند ایرادات بسیاری داشت ولی در حد خود توانست مشکل انتخاباتی اصلاح طلبان را رفع کند و خصوصاً نسبت به سال ۱۳۹۲ که تمام مسئولیت بر دوش خاتمی گذاشته شده بود، گامی هر چند کوچک اما روبه جلو محسوب می شد. پس از انتخابات ۱۳۹۶ و اعتراضات زیادی که به این ساختار شد و به ویژه با توجه به نتایج نه چندان مطلوبی که از لیست امید چه در مجلس و چه در شوراهای صادر بود، مجدداً اصلاح طلبان بر آن شدند تا برای ساماندهی به فعالیت های تشکیلاتی و انتخاباتی خویش طرحی جدید را در افکندند. در این یادداشت تلاش می کنیم که اندکی مواضع و افکار و موضوع اصلاح طلبان و کنش های انتخاباتی ایشان، بپردازیم.

بخشیدند. این پدیده هر چند غیر قابل اجتناب می نمود اما باید یکنگاه استراتژیک کمی شفاف تر به معنی آن تا حد امکان کاست از جمله تبعات منفی آن این بود که گفتن اصلاح طلبی فرصت ظهور و بروز اصل و خالص خود را برای آگاهی هر چه بیشتر جامعه با مبانی اش از دست داد و دوم اینکه بار هر گونه شکست راهبردها، سیاست ها و عملکردهای جریان اعتدال را به جان خرید و تا سال ها باید در سپهر سیاسی ایران آن را بر دوش بکشند. در سایه آسیب هایی این چنین، سرعت توسعه سیاسی را بیش کند و متزلزل نمود.

تله ششم اینکه پدیده هایی چون جبهه های و جناحی، در بزنگاه هایی چون انتخابات برای کامیابی خود به نوعی از رفتار شهری و ندی نیاز دارند که از زمانه مسلمانده مبتنی بر آگاهی، که بر اساس هیجان و تقلید و اقتدا، شکل می گیرد و سرنوشته بازی را رقم می زند. منش اصلاح طلبان از سوی بر تقویت نهادینگی تحزب و فرهنگ تشکیلاتی در جامعه تأکید دارد و از سوی دیگر در آرزوی ساختن شهر و نبدالی است که جهت گیری سیاسی مبتنی بر منفعت را در تعاملی دراز مدت با تشکل های سیاسی بر گزیده باشد. لذا در پیش گرفتن سیاست های جناحی که آغشته به تجویزها و تلقین های مقطعی و تکرار می کند هاست، همچون تله ای بزرگ اصلاح طلبان را از آرمان و هدف متعالی خود در نبدل به شهر و نبدالی و فرهنگ سیاسی آرمانی اش مجبور نمود. برای فرار از این تله ها و داشتن حرکتی روبه جلو در قالب تشکل های سیاسی چند الزام اولیه را باید مدنظر قرار داد و

اصلاح طلبان علاوه بر اینکه به شکل هایی که اشاره شد در کمرنگ نمودن تحزب نقش داشتند، در ساحت گفتگویی و آرمانی نیز به دلیل آمیختگی با جریان اعتدال، هم از شعارها و مرزهای خود فاصله گرفتند و هم خواسته و ناخواسته به جریانی که از فقدان شفافیت در تبیین مواضع و اندیشه هایش رنج می برد، اصالت و قدرت

اصلاح طلبان علاوه بر اینکه به شکل هایی که اشاره شد در کمرنگ نمودن تحزب نقش داشتند، در ساحت گفتگویی و آرمانی نیز به دلیل آمیختگی با جریان اعتدال، هم از شعارها و مرزهای خود فاصله گرفتند و هم خواسته و ناخواسته به جریانی که از فقدان شفافیت در تبیین مواضع و اندیشه هایش رنج می برد، اصالت و قدرت و بخشیدند

در سال های اولیه دهه ۸۰ و به دنبال شکست های انتخاباتی اصلاح طلبان - به ویژه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ - اصلاح طلبان بسیاری به دنبال راه چاره بر آمدند. نا کار آمدی شورای هماهنگی احزاب اصلاح طلب، عملکردهای اشتباه دولت وقت، زیاده خواهی های احزاب و چند عامل دیگر منشأ این شکست ها شناخته شدند. لذا اصلاح طلبان ناگزیر در انتخابات ۱۳۹۲ متوسل به استراتژی جدیدی شدند (درخواست خاتمی از عارف برای کناره گیری). این استراتژی که البته با اغماض، می توان آن را یک استراتژی قلمداد کرد، گرچه کامل نبود اما توانست موفقیتی نسبی را برای جبهه اصلاح طلبی رقم بزند و اصلاح طلبان را پس از یک دهه، به پیروزی در یک انتخابات ملی برساند.

زهره رحیمی  
عضو شورای مرکزی  
حزب اراده ملت ایران  
rahimi\_zozo2003@yahoo.com

افشین فرهانچی  
عضو شورای مرکزی  
حزب اراده ملت ایران  
afarhanchi@yahoo.com

متناسب با هر منطقه و هر استانی الزامات و ملاحظاتی را می طلبد که در الگوی ساده سازی شده تمرکز گرای اصلاح طلبان، به تمامی مورد غفلت قرار گرفته بود. از جمله اینکه بسیاری از مسائل که هم جنبه نا کار آمدی در انتخابات پیشین شده بود و ناقص مربوط به لیست انتخاباتی تهران بود ولی اصلاح طلبان مرکز نشین این چالش ها را به کل کشور تعمیم دادند و باعث ایجاد شکاف و درصوف حزبی و جبهه های در دیگر شهرستان ها و استان های کشور نیز شدند.

تله اول این بود که اصلاح طلبان خواسته و ناخواسته کنش سیاسی را به کنش انتخاباتی تقلیل دادند. کار گسترده و پایدار سیاسی به ویژه در قالب احزاب با مشارکت سیاسی منحصراً به انتخابات، دو پدیده مجزا و متفاوت است. اصلاح طلبان با صراحت بر ادامه کار شورای سیاست گذاری که یک نهاد با مأموریت انتخاباتی بود، خود را در تله ای انداختند که هم کنش جامع احزاب را در امر سیاسی تضعیف نمود و هم کنشگران سیاسی را در سپهر آشفته و توسعه نیافته سیاسی ایران برای مشارکتی واقعی دچار سردرگمی کرد.

تله دوم خلط کردن کار جناحی و جبهه ای با کار حزبی بود. کنش جناحی و حزبی هر یک الزامات خودش را دارد. معمولاً دستور کار جناحی معطوف به محورهای انتخاباتی و با مقاطع ویژه تاریخی است. در حالی که ثمره تحزب در فواصل بین انتخابات نیز، برقرار و پایدار است و کنش انتخاباتی تنها به عنوان یکی از بخش های کنش حزبی، معنی می یابد. در سال های اخیر پرهیز بخش وسیعی از اصلاح طلبان از تن دادن به مناسبات حزبی، معضلاتی را در مسیر توسعه سیاسی کشور ایجاد نمود که منجر به تهی شدن سپهر سیاسی ایران از پدیده های به نام تشکیلات واقعی و انسجام حزبی و تشکیلاتی شد.

تله سوم تعمیم دادن مسائل و مشکلات تهران به سراسر کشور یا به نوعی، تقلیل مناسبات سیاسی کشور به وقایع پایتخت بود. عواملی چون تعدد و تنوع احزاب، شکل و گستره کنش سیاسی و رویکرد انتخاباتی

دیدگاه

## پرسش و پاسخ با وزارت امور خارجه در سامانه انتشار و گردش آزاد اطلاعات

سامانه انتشار و گردش آزاد اطلاعات اقدام مؤثری در جهت شفافیت خدمات مؤسسات عمومی کشور است. هر شهروند حق دارد از مؤسسات عمومی



بهمن کبیری پرویزی

bkp2001ir@gmail.com

پرسش‌های خود مطرح کنند و مؤسسات عمومی در مدت ده روز موظف به پاسخ گوئی هستند. در صورت عدم پاسخ گوئی و در صورت موارد به کمیسیون انتشار و گردش آزاد اطلاعات، کمیسیون پاسخ را پیگیری می‌کند. آنچه در زیر مطالعه می‌کنید پرسش‌های من از وزارت امور خارجه به‌عنوان یک شهروند و پاسخ‌های بانک مرکزی به یک شهروند است:

وی با واقعیت تطبیق نمی‌کند و احتمالاً براساس سوء تفاهم یا توهم آن را بیان کرده است چرا که وقتی نامه‌ای به‌وایخ (وزارت امور خارجه) ارسال شود می‌توان چنین ادعای کرد که این نامه به‌وایخ ارسال شده است. بیان وزیر امور خارجه در مورد پول‌شویی آشکار است و نیاز به روشنگری ندارد. وی، یک آسیب جدی اقتصاد ایران را بیان کرد و اولین کسی نبود که در جمهوری اسلامی ایران به این مسئله اشاره می‌کند. در گذشته نیز در رسانه‌ها و توسط برخی مقامات این مسائل بیان شده و دکتر ظرفی با توجه به اهمیت آن در اقتصاد مقاومتی و دوران تحریم بیان کرد. مطلب عجیبی بیان نشده است. یک تصویری است از یک مشکل که باید رفع شود. ایشان دیروز هم تأکید کرد، ارگان و شخص خاصی را متهم نکرده بلکه یک بیماری را طرح کرده است. تعجب می‌کنم چرا این گفتار تا این حد بازتاب‌های تند و عجیب نزد برخی سیاست‌مداران داشته است.

### پرسش با کد رهگیری ۱۵۴۳۳۷۹۹۱۹۸۲۰

خبری با مضمون «به پیشنهاد کانادا کمیتل سوم مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن به شدت نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران از نگرانی شده است معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل این قطعنامه را «سیاسی کاری» خواند.» در فضای مجازی در حال انتشار است خواهشمند است صحت و سقم خبر را به همراه اقدامات انجام شده و اثرات این قطعنامه اعلام فرمایید.

### پاسخ

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به تصویب قطعنامه وضعیت حقوق بشر ایران در نشست کمیته سوم اجلاس هفتاد و سوم مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک با حمایت برخی دولت‌هایی که خود بزرگترین ناقضان حقوق بشر در کشورهای خود و دیگر کشورها هستند، ضمن محکوم کردن اقدام این گروه از کشورهای اظهار داشت: «این قطعنامه بدون در نظر گرفتن واقعیت موجود در ایران مبتنی بر نگرانی‌های غیرمنصفانه و غرض‌ورزانه و با اهداف سیاسی تهمید و تصویب شده است که از آراء مردمی ما، دین، قاسمی افزود: استفاده از ابزار از حقوق بشر، قطعنامه‌های حقوق بشری و سازوکارهای بین‌المللی توسط برخی کشورهای غربی و رژیم اشغالگر و کودک‌کش صهیونیستی و برخی کشورهای مترجع منطقه برای پیگیری مقاصد شوم افراط‌گرایانه و همچنین سیاست‌های آشوب‌طلبانه و حمایت از تروریست‌های تجزیه‌طلب راقو یا محکوم می‌کنیم و معتقدیم ادامه این روند اعتماد جامعه بین‌المللی به سازوکارهای بین‌المللی را تضعیف کرده و اثربخشی و کارایی آن‌ها را در مواقع ضروری و لازم زیر سؤال می‌برد. سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین اظهار داشت: «نظر ما محل مناسب و جهان‌شمول ارزیابی حقوق بشر در کشورها، سازوکارهای آزر (بررسی دوره‌ای جهانی) است که بدون تبعیض همه کشورهای را مورد بررسی قرار می‌دهد. مشارکت سازنده و فعال کشورمان در این سازوکار، نشانگر جدیت ایران در ارتقای حقوق بشر و عمل به تعهدات بین‌المللی خود از طریق همکاری‌های سازنده و سازوکارهای مبتنی بر گفتگو است.

### پرسش با کد رهگیری ۱۵۴۳۳۷۹۹۱۹۸۲۰

خبر زیر در حال انتشار است: بهرام قاسمی گفت: «واقعیت پول‌شویی قابل کتمان نیست» و سخنان وزیر خارجه ایران در این مورد «تنها بیان صادقانه‌ای از مشکلات کشور بوده است. هم‌زمان اعلام شد که ظرفی در باره این موضوع به کمیسیون امنیت ملی مجلس توضیح می‌دهد. خواهشمند است ضمن تأیید صحت و سقم خبر، شرح اقدامات انجام شده را اعلام فرمایید و تشریح فرمایید به نظر وزیر محترم امور خارجه پول‌شویی در کدام بخش هدف منظور ایشان بوده است.

### پاسخ

در خصوص سخنان وزیر امور خارجه در ارتباط با موضوع پول‌شویی، سخنگوی وزارت امور خارجه توضیحاتی دادند که شما هم به آن اشاره کرده‌اید. سایر اقدامات و توضیحاتی که در این زمینه انجام خواهد شد اطلاع‌رسانی خواهد شد. در صورتی که مجلس محترم شورای اسلامی از ایشان توضیحی بخواهد قطعاً بر اساس روال قانونی و معمول، در مجلس و یا کمیسیون‌های مربوطه حاضر و پاسخ‌های لازم ارائه خواهد شد.

### پرسش با کد رهگیری ۱۵۴۳۳۸۹۵۱۵۲۱

خبر زیر در فضای مجازی منتشر شده است: «زیگمار گابریل، وزیر امور خارجه پیشین آلمان، بدوخت ظرفی به ایران سفر کرده است. سفری که در رسانه‌های آلمان بازتاب زیادی نداشت. اکنون بسیاری مایل اند بدانند که انگیزه سفر او به ایران و دیدار با مسئولان آن کشور چه بوده است.» خواهشمند است صحت و سقم خبر و شرح اقدامات انجام شده را اعلام فرمایید.

### پاسخ

آقای گابریل وزیر خارجه سابق آلمان است که در حال حاضر علاوه بر فعالیت‌های حزبی و عضویت در پارلمان این کشور از شخصیت‌های بانفوذ کشور آلمان محسوب می‌شوند که علاقه‌مند به توسعه مناسبات با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. ایشان در صدر هیئتی تجاری و اقتصادی به کشورمان سفر کرده‌اند و بر اساس روال و پروتکل کشور، در صورتی که وزرای سابق کشورها درخواست ملاقات با وزیر امور خارجه کشورمان را داشته باشند موضوع بررسی و در مورد آن تصمیم‌گیری خواهد شد. که ملاقات دکتر ظرفی با آقای گابریل هم در این چارچوب انجام شده است.

### پرسش با کد رهگیری ۱۵۴۳۳۱۹۵۳۵۷

خبری به این شرح در فضای مجازی منتشر شده است: «به گفته یک نماینده تندر، معاون فقه قضائیه از وزیر خارجه ایران خواسته است تا اسناد خود در باره پول‌شویی گسترده در کشور ارائه کند.» خواهشمند است ضمن اعلام صحت و سقم خبر شرح اقدامات انجام شده را اعلام فرمایید.

### پاسخ

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه (نشست خبری با رسانه‌های داخلی و خارجی - دوشنبه ۲۸/۹/۹۷): هیچ درخواستی از سوی جناب آقای ژهای سخنگوی محترم قوه قضائیه تاکنون دریافت نکرده‌ایم. به نظر می‌رسد بیان این نماینده محترم مجلس مانند دیگر بیانات



از پروتکل الحاقی تا افای تی اف

## مشکل حکایتی است که تقریر می‌کنند

فعالان سیاسی داد تا برای شکست روحانی در انتخابات ۹۶ انواع دروغ‌ها را درباره سند ۲۰۳۰ منتشر کنند آنان حتی ادعا کردند آن سند مجوز ترویج هم جنس‌گرایی است و به این ترتیب به حکومت‌های مختلف از جمله حکومت جوامع اسلامی نسبت دروغ دادند و آنان را متهم کردند سندی رسو و غیر اخلاقی را پذیرفته‌اند و این تنها مدعیان ایرانی هستند که در برابر این سند زشت‌اندگی کرده‌اند.

امروز جنجالی جدید برپا شده است. برخی جریان‌های سیاسی با حرارت فراوان می‌کوشند از پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام (اف‌ای تی اف) جلوگیری کنند و چنان برخی اذهان را آشفته کرده‌اند که برخی بزرگان می‌گویند پیوستن به گروه ویژه اقدامی بسیار خطرناک است. حال آنکه همه حکومت‌ها استانداردهای گروه اقدام را اجرایی کرده‌اند و البته کره شمالی در این میان استناست. برخی تندروها از همه ابزارهای خود مانند صدا و سیما - که حتی یادآوری رویکردهای امور خارجه کشورمان را داشته باشند موضوع بررسی و در مورد آن تصمیم‌گیری خواهد شد. که ملاقات دکتر ظرفی با آقای گابریل هم در این چارچوب انجام شده است.

اظهار نظر درباره موضوعات حساس حقوقی و بین‌المللی - که با منافع ملی ارتباط دارد - امری تخصصی است. کسانی که مانند آن تشکل سیاسی ادعا می‌کنند با ساعت‌ها بررسی دریاخته‌اند ایران نباید به کنوانسیون اف‌ای تی اف پیوند و به نمایندگان درباره آن هشدار می‌دهند و البته ندانستند که اف‌ای تی اف کنوانسیون نیست تا مشخص شود آن ساعت‌ها بررسی ادعایی چه میزان ارزش دارد. حکایتی بی اعتبار تقریر می‌کنند. همچنان که قصه‌های پیشین برخی مدعیان درباره پروتکل و سند ۲۰۳۰ بی اعتبار بود.

حسن بختیاری زاده  
فعال سیاسی  
Bakhtiar95@yahoo.com

برخی جریان‌ها و فعالان سیاسی در سال‌های پس از انقلاب علیه سازمان‌ها و تریبیات بین‌المللی بدبینانه سخن گفته و آن‌ها را حتی آلت دست استکبار دانسته و نسبت به تعامل با آن‌ها به شکل انعطاف‌ناپذیری موضع گرفته‌اند. رویکردی که آنگاه که به سیاست‌گذاری انجام‌یافته است، تنهاسبب انزوای ایران و تهدید منافع ملی شده است. به یاد دارم مرحوم رجایی خراسانی، نماینده پیشین ایران در سازمان ملل در دهه ۶۰، در دوره دانشجویی نویسنده در دانشکده وزارت خارجه خاطرات فراوانی از بلبیبی‌های برخی مسئولان جمهوری اسلامی به‌سازمان ملل داشت. وقتی دیوان دادگستری چند روز پیش به نفع ایران رأی داد، با خود گفتم کاش رجایی زنده بود و روزهای رومی دید که خردگرایی و توسل به تریبیات بین‌المللی نتایج مهمی برای ایران به همراه آورده است. وقتی ایران به سبب فشارهای خارجی برخاسته از تحولات هسته‌ای با خواست طرف‌های خارجی برای اجرای پروتکل الحاقی به توافق پادمان روبرو شد، برخی جناح‌ها و فعالان سیاسی چنان فضایی ایجاد کردند که گوئی پیوستن به پروتکل امنیت ملی را به فنا می‌دهد آن‌ها حتی ادعا کردند آژانس با استناد به پروتکل از بیت رهبری و شورای امنیت ملی بازرسی خواهد کرد. باز هم به خاطر دارم وقتی در سال ۱۳۸۱ برای نگارش پایان‌نامه کارشناسی ارشد به پایگاه اینترنتی آژانس مراجعه کردم و دریافت کردم نزدیک به ۸۰ پروتکل را پذیرفته‌اند از توان و اعتماد به نفس برخی برای شایعه‌پردازی شگفت‌زده شدم. ایران پروتکل را در دو مقطع اجرا کرده و هیچ‌یک از آن ادعاها رخ ندهاده و آژانس هیچ درخواست غیر حقوقی را به استناد به پروتکل مطرح نکرده است

اظهار نگرانی برخی بزرگان درباره سند ۲۰۳۰ بهانه‌ای به دست برخی جناح‌ها و

## FATF به مثابه پلیس اقتصادی



علی اکبر مختاری  
روزنامه‌نگار و فعال سیاسی  
aamokhtan20@gmail.com

بستر ملی انتقال دهند و موجب ضرر و زیان به دولت و ملت گردد، لذا شایسته است شریان‌های پولی و مالی کشور نیز به‌خوبی رصد شود تا مبادا لاتی که مفسده ایجاد می‌کند و به منافع ملی و شخصی ایرانیان آسیب می‌رساند مقابله شده و تحت کنترل قرار گیرد. از این منظر ملحق شدن به این کنوانسیون نه تنها ضرری ندارد بلکه بیشترین کمک‌رادر جهت شفافیت مالی اقتصاد تجاری و رانتهای ایران خواهد کرد و مبارزه با قاچاق و پول‌شویی با جدیت بیشتری پیگیری می‌شود.

نکته بعدی در خصوص فناوری مدرن است پیشرفت علم و فناوری در همه عرصه‌ها بخصوص در شبکه‌های اطلاعات و فناوری و سیستم‌پذیری مبادلات اقتصاد کلان موجب شده دولت‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزارها و توسعه شبکه بانکداری الکترونیک، مبادلات پولی فضای تحت حاکمیت خود را به آسانی تحت کنترل داشته باشند و مالیات‌گیری از فعالین اقتصادی به‌سادگی و دقیق تر انجام گیرد. این سیستم‌ها در همه کشورها باید بر اساس استانداردهای تعریف شده و همگانی باشد تا تبادل پول بین شبکه‌های بانکی بین‌المللی با شفافیت و اطمینان انجام گیرد. لذا هدف شکل‌گیری این نهاد بین‌المللی اقدام مالی مشترک کشورها هم‌بستر سازی مشترک و ایجاد قوانین یکسان جهت سهولت در امر مبادلات مالی است و مهم‌تر از آن مبارزه با پول‌شویی و نقل و انتقال مشکوکی است که با هر انگیزه‌ای ممکن است به اقتصاد کشورها آسیب برساند. لذا الحاق دولت مابه سیستم‌های مالی و استفاده از تجارت سازمان‌های مالی در شفافیت سیستم بانکی و مبارزه با پول‌شویی و ارتقا دادن سیستم مالیات‌گیری ضروری است و نظام اقتصادی از دام مؤسسات مالی که هر چند سال ضرر سنگینی به مردم و منابع ملی می‌زنند رهایی می‌یابد.

مخالفان این طرح موضوع دسترسی بیگانگان به اطلاعات محرمانه و قطع کمک‌های ایران به گروه‌های مبارز شیعی را به عنوان علل مخالفت خود بیان می‌کنند و از خون شهدا و تقدسات تا علما و تربیان‌های نماز جمعه هزینه می‌کنند تا این لایحه تصویب نشود، ولی حقیقت این است که گروه‌های اسلامی حزب‌الله و حماس در لیست گروه‌های تروریستی نیستند و دولت بالجستیک و ابزارهایی که در خدمت دارد طبق روال قبل قادر به کمک به آنان خواهد بود و دسترسی به اطلاعات نیز اگر به ضرر منافع دولت بود هیچ‌گاه کشورهای در حال توسعه همچون چین و روسیه و هند که نسبت به این موضوع حساس‌ترند به این کنوانسیون ملحق نمی‌شدند. لذا مخالفان نه در حمایت از حاکمیت بلکه از افرادی حمایت می‌کنند که از قماش کاسبان تحریم و آقا زاده‌ها و قاچاقچیان هستند که به صورت پنهانی، تجارت زیرزمینی و قاچاق انجام می‌دهند.

موضوع تصویب لایحه الحاقی ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) چند وقتی است فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور را به خود مشغول کرده است. گاه‌ها نخبگان سیاسی با شک و تردید درباره این موضوع صحبت می‌کنند و عدم اطمینان از عواقب این تصمیم‌گیری موجب گیجی و ابهام افکار عمومی شده است. آنچه مشخص است تصویب این لایحه در مجلس موجب حذف دائم ایران از لیست سیاه این سازمان یا کارگروه اقدام مشترک مالی علیه پول‌شویی است. لذا شایسته است ابتدا از نگاه حق و باطلی در این موضوعات عام پرهیز کرد و هراس و ناامیدی را از ذهنیت جامعه غرق در بحران و رنج‌دیده دور کرد و همانند کلیه کنوانسیون‌های بین‌المللی که قبلاً دولت ایران بدان ملحق شده است دست‌انگیزی به همراه رسانه‌ها، سود و زیان تصویب این لایحه و تجربه دیگر دولت‌ها را به اطلاع جامعه برساند که اعتماد سازی و شفافیت نیاز مبرم سپهر سیاست امروز است. تصویب لوایح ۴ گانه الحاقی به این کنوانسیون مخالفان و موافقانی دارد که تحلیل و ریشه‌یابی این اختلاف آرا ضرورت دارد.

ابتدا باید اقرار کرد که دولت ایران دولتی رانتی است یعنی حکومت‌داری نه از طریق درآمد‌های مالیاتی بلکه با فروش نفت تأمین می‌گردد و حیات و اداره کشور به فروش نفت و خرید کالاها و واسطه‌های متکی است و به‌طور خلاصه اقتصاد ما بیشتر تجاری و واسطه‌های است تا تولیدی. حجم کالاهایی که از مرزهای کشور به‌صورت رسمی یا قاچاق وارد یا خارج می‌شود چندین برابر آمارهای رسمی است. همچنین قرار گرفتن ایران در همسایگی کشوری که مرکز قاچاق مواد مخدر دنیاست و دسترسی به دریاها و آب‌های آزاد در مجموع شرایطی برای کشورمان ایجاد کرده است که ارقام سنگینی از مبادلات کالاهای قاچاق از مرزهای ایران انجام می‌گیرد. چنانچه کلیه این فعالیت‌ها مورد شناسایی مالی قرار گیرند و از آن عوارض و مالیات دریافت گردد، کشور را از صادرات نفت بی‌نیاز می‌کند. لذا تصویب این لایحه، انتقال نامشخص و مشکوک ارقام سنگین پولی در سیستم بانکی را محدود می‌کند و به شفافیت این حجم عظیم مبادلات و تسلط حاکمیت به این بخش پنهان کمک خواهد کرد. بنابراین سیستم مبادلات مالی و بانکی کشور شبیه شریان‌های حمل و نقل جاده‌ای بستر است که هر کس با هر هدفی می‌تواند هر حجمی از پول را جابجا کند و چنانچه در جاده‌های کشور پلیس راه و مأمور نباشد چه بسا قاچاقچیان و متخلفین بر خلاف منافع کشور و مردم هر کلایی را در این



دیدگاه

بنیادگرایی در جنبه عقابلیت

بخش آخر

مهندس کاظم جمالیان  
عضو کمیته مباحث بنیادین  
حزب اراده ملت ایران  
Besta.co@gmail.com

نوگرایی که از آن به نام‌های تجدد یا مدرنیسم نیز یاد می‌شود را می‌توان به معنی گرایش فکری و رفتاری به پدیده‌های فرهنگی نو و پیشرفته‌تر و کنار گذاردن برخی از سنت‌های قدیمی و کهنه و ارتجاعی نیز به حساب آورد. می‌توان نوگرایی را فرایند گسترش خردگرایی، خردورزی و عقابلیت در جامعه و تحقق آن در بستر مدرنیته نامید. فهم مدرنیته مقدم بر هر اقدامی است که در برنامه‌های نهادهای مدنی و آموزشی نیروهای مترقی باید گنجانده شود تا هنگامی که مدرنیته در فضای آموزشی نهادهای مدنی و احزاب مترقی نهادینه نشود دستیابی به مکتب‌داری و جامعه مدنی؛ امری محال و دست‌نیافتنی خواهد بود. همچنین نوگرایی - یک جریان فکری به معنای استفاده از معرفت؛ دانش؛ فن آوری و توان تجربی خود برای تولید، بهبود و تغییر محیط اطراف ما آدمیان است. و مهم‌تر از همه اینکه نوگرایی پرسوه انسان‌محوری به معنای ایمان به قدرت و اندیشه انسان از اینکه انسان خلیفه خداوند در زمین است را به لحاظ عملی و نظری در قله افکار عقلایی دین‌باور و دین‌مدار امروز می‌نماید. حقیقت اینکه نوگرایی منادی و محصول عقابلیت است و اساس فلسفه‌اش دوران نوگرایی «انسان‌قلندار» می‌شود و عقل علمی به نامی ظرفیت، خود را وقت خدمت‌گذاری به انسان می‌نماید و تلبه حال نیز از این خدمت‌گذاری کوتاه می‌نماید و نتیجه آن تکنولوژی و ابزار مدرنی است که بدون آن‌ها زندگی را در این عالم محال و غیر ممکن می‌نماید. در دنیای که خرد آدمی داعیه مدیریت آن را دارد جایی برای خرافه و اسطوره باقی نمی‌گذارد. با تغییر فلسفه و نگاه آدمی، علوم بشر نیز تغییر کرد و نوگرایی و عقابلیت به عنوان نخستین دلیل پیشرفت علمی بشریت در تمام این دوران‌ها مقبول افتاد و تبدیل کیمیاگری به شیمی و «فال‌گیری و دعاخوانی» به تجویز دارو و پزشکی دقیقاً از مرزهای جدایی و محصولی از نوگرایی در جوامع سنتی است. فلسفه نوگرایی در دانش اقتصاد، سیاست، ادبیات، شعر و هنر میدانی را برای خود فراهم نموده است که امروزه به عنوان پرستیژ آدمیان و معیاری برای پذیرش و اعتبار آنان محسوب می‌شود. در این ولدی از آنجایی که پرسوه عقابلیت تلاش می‌کند تا همواره جامعه کهنه و مندرس را از تن جامعه بیرون بیاورد و جامعه‌آراسته به جامعه تمیز و نو نماید. ماهیت پایه گوهرهای انسانی و زندگی مسالمت‌آمیز و تسامح‌جو و مدارا مند و روادارانه ارزش می‌نماید. معنادار نوگرایان مسلمان هم‌بنیاد و هم‌بنیادین مدرن‌آرامی‌طلبانه رسمیت می‌شناسند. اما بنیادگرایان اهل تلقیق و آشتی دادن بنیاد دینی مدرن نیستند بلکه می‌خواهند وضعیت مدرن را کاملاً نفی کنند و وضعیت پیشین و قدیمی و کهنه را به جای آن بنشانند «تجربه عصر جدید مملکت ما و قرائت مردم سالاری که هم مبتنی پیشرفته مدرنیته‌ای پذیرد و هم بر بنیادهای دینی خود برای نشان دادن هویت ایرانی مستقل تأکید دارد باعث شد تا فراز و فرود و قرائتی معتبر و محکم با نام همراهی دین داران و سیاست ورزان در ایران نشان داده شود. بنیادگرایی عارضه و زائده‌ای است که اگر آسیب‌شناسی نشود نوگرایی را به آفت می‌کشد و قصد آن دارد تا راه را برای بلوغ و بالندگی نواندیشی سد کند. بهر تقدیر بنیادگرایی هر چه باشد در روزگار ما به هویتی مستقل و اثرگذار تبدیل شده است و در تحلیل‌های فکری و سیاسی نمی‌توان چشم بر او بست و هم‌عصران ما می‌بینند که در صحنه‌های معاصر بین‌المللی هم بار دیگر نگاه‌ها را به سمت بنیادگرایی معطوف کرده است.

نگهبان مهر

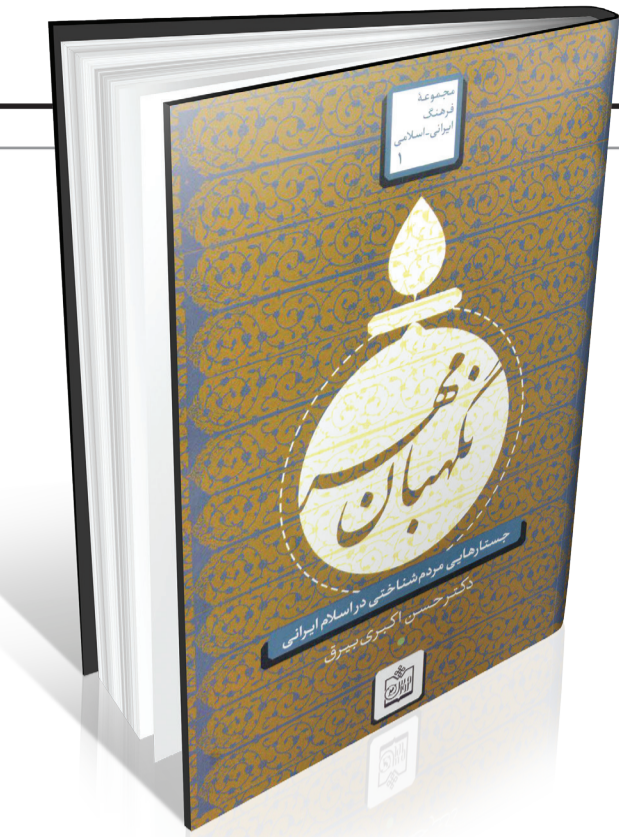


حسن اکبری بیرق  
پژوهشگر و نویسنده  
hakbaribairigh@gmail.com

به بهانه مقارنت انتشار این شماره با نخستین میلاد پیامبر رحمت و مهربانی، بخشی از مقدمه کتاب «نگهبان مهر» به قلم فریخته گرامی حسن اکبری بیرق، با عنوان فرعی «جستارهایی مردم‌شناختی در اسلام ایرانی» تقدیم می‌گردد. انتشار کتاب اتفاقی قابل اعتنا در حوزه مردم‌شناسی دینی به شمار می‌آید، کتابی بی‌همسنگ در این حوزه که البته به شیوه‌ای روشمندتر ابعاد مردم‌شناختی دین اسلام به‌ویژه مذهب تشیع را کاویده است. به تعبیر دقیق‌تر، این کتاب روایتی است مردم‌شناختی از اسلام ایرانی که روند تأثیر و اثر آموزه‌های اسلامی فرهنگ ایرانی را بر یکدیگر بررسی می‌کند. از این رو کتابی است پر محتوا و به دلیل نثر زیبا و روانش، بسیار خوش‌خوان.

جدید که مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی را در نور دیده، در عرض چند سده به آیین جهانی تبدیل شد. شکل امروزین دین اسلام، با همه تنوعی که به لحاظ صوری و محتوایی پیدا کرده، محصول طیّی مرحلی چند است و صد البته از آغاز بدین گونه نبوده است. در مرحله نخست به‌رحمت، اندیشه و عمل چند قوم و قبیله و شهر و آبادی را تحت تأثیر قرار داد و این سهله و سَمحه بودن آداب و مناسک و آموزه‌ها و تعالیم بود که عرب با دین را جذب نمود. در مرحله دوم، آنگاه که فتوحات اسلامی و مواجهه با مکتب‌ها و مذاهب دیگر، پرسش‌هایی بنیادین برای پیروان این دین نوین طرح کرد، چیزی بیش از آن معارف بسیط برای اذهان پیچیده‌تر مسلمانان سرزمین‌های مجاور، با پیشینه تمدنی دیرین لازم آمد. از این رو دانش‌هایی چون تفسیر و کلام و فقه و اصول و حدیث و درایه، تفسیر یافت و گوناگونی شیوه‌های زیست مردمان اقلیم فتح‌شده، به گوناگونی شیوه‌های مسلمانی انجامید. دیری نپایید که این مرحله نیز پشت سر نهاده شد و اسلام در گام سوم حیات خویش در اثر آمیزش با فرهنگ و تمدنی زایا و پویا تبدیل گشت. به دیگر سخن، دعوت به یکتاپرستی و توحید از شرک و باور به حیات پس از مرگ و ثواب و عقاب و اعمال تغییراتی جزئی در سبک زندگی عشیرهای اعراب عصر جاهلی، مقدمه‌ای شد برای تأسیس دینی

جدید که مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی را در نور دیده، در عرض چند سده به آیین جهانی تبدیل شد. شکل امروزین دین اسلام، با همه تنوعی که به لحاظ صوری و محتوایی پیدا کرده، محصول طیّی مرحلی چند است و صد البته از آغاز بدین گونه نبوده است. در مرحله نخست به‌رحمت، اندیشه و عمل چند قوم و قبیله و شهر و آبادی را تحت تأثیر قرار داد و این سهله و سَمحه بودن آداب و مناسک و آموزه‌ها و تعالیم بود که عرب با دین را جذب نمود. در مرحله دوم، آنگاه که فتوحات اسلامی و مواجهه با مکتب‌ها و مذاهب دیگر، پرسش‌هایی بنیادین برای پیروان این دین نوین طرح کرد، چیزی بیش از آن معارف بسیط برای اذهان پیچیده‌تر مسلمانان سرزمین‌های مجاور، با پیشینه تمدنی دیرین لازم آمد. از این رو دانش‌هایی چون تفسیر و کلام و فقه و اصول و حدیث و درایه، تفسیر یافت و گوناگونی شیوه‌های زیست مردمان اقلیم فتح‌شده، به گوناگونی شیوه‌های مسلمانی انجامید. دیری نپایید که این مرحله نیز پشت سر نهاده شد و اسلام در گام سوم حیات خویش در اثر آمیزش با فرهنگ و تمدنی زایا و پویا تبدیل گشت. به دیگر سخن، دعوت به یکتاپرستی و توحید از شرک و باور به حیات پس از مرگ و ثواب و عقاب و اعمال تغییراتی جزئی در سبک زندگی عشیرهای اعراب عصر جاهلی، مقدمه‌ای شد برای تأسیس دینی



دوره پس‌اسلامی شده است، در گذر زمان و در دوران فرایند عرفی شدن، نه‌تبارنگ‌باخته، بلکه گاه کاملاً محو شده است. برای نمونه می‌توان به فاجعه عاشورا و قتل عام نوادگان پیامبر اکرم (ص) در کربلا اشاره کرد. این واقعه که در طول نزدیک به ۱۴۰۰ سال گذشته به‌انحاء گوناگون مورد تحلیل و تبیین و تفسیر قرار گرفته است، از نگاه عامه ایرانیان، نه یک حادثه تاریخی، بلکه داستانی اسطوره‌مانند است که صرف نظر از صحت و وثاقت روایی آن، از تمامی خاطرات جمعی و تراژدی‌های تاریخی و پیشاتاریخی این قوم، نمایندگی می‌کند. به دیگر سخن، آنچه به‌واقع در سال ۶۱ هجری در سرزمین کربلا اتفاق افتاده است، چندان مطمح‌نظر نیست و یا اصولاً گرد و غبار زمان گم شده است؛ مهم‌تر از اصل ماجرا نقش الهام‌بخشی و هویت‌آفرینی آن است که در سازه‌های و هم‌نشینی با دیگر اسطوره‌ها و افسانه‌های ایرانی‌پس‌اسلامی همچون گنومات و... طرز فکر و عمل مردم این دیار را شکل می‌دهد.

نموده، موجب غنای معنوی این دین شدند. امروزه دیگر، رسوم و آیین‌های ایرانیان مسلمان، به‌گونه‌ای است که تفکیک عناصر ایرانی از اسلامی، به‌غایت دشوار و بلکه نامیسر می‌نماید. این عناصر دینی - فرهنگی که در طول پانزده قرن با گوشت و خون ساکنان این جغرافیای پهناور، عجین شده و در عروسی و عزا، تولد و مرگ، سفر و حضر، مسجد و منبر، تکیه و حسینیه، خانه و مدرسه، شهر و روستا و... نمود و نمودی معنابخش دارد، بخش اعظمی از هویت، باورها، ارزش‌ها، آمال و آرزوهای ایرانیان را نمایندگی می‌کند. نوع پوشش، طرز گویش، نحوه عروسی، شیوه سوگواری، تظاهرات دینی و مذهبی، آفرینش‌های هنری و ادبی و خلاصه کلام سبک زندگی و طرز فکر ایرانیان، تحت تأثیر نوعی جهان‌بینی مرکب از مؤلفه‌های ایرانی - اسلامی است. نکته حائز اهمیت در این میان، آن است که آن امر قدسی که منشاء و مبنای چنین نحوه زیستن ایرانیان در

نقد و آسیب‌شناسی نحله (مشرّب و مسلک) سیاسی اصلاح‌طلبی

۳

که بگوید من و یا ماتادار کات چی بوده‌ایم و یا بحران‌های مستمر اجازه آن را نداد که توفیقی حاصل آید زیرا که با چنین برهانی مشخص می‌شود که مجموعه قادر به در اختیار گرفتن قدرت و یا اراده تغییر و بهبود دنیو و یا اساساً حزب و جریان واقعی نبوده است

حزب با ابزار انتخابات دنبال کسب و جلب حمایت عمومی می‌رود. با مجموعه مصطلح‌ها عنوان اصلاح‌طلبی مکرر در مکرر تلاش داشته که با شرکت در انتخابات و گرم کردن تنور آن حمایت عمومی را متوجه خود کند و از قضا در این امر هم در بسیاری از دوره‌ها موفق بوده است و باتکیه بر حمایت عمومی خود را بر اینکه قدرت سوار کرده است اما متأسفانه نتوانسته از موقعیتی که در اختیار داشته و حمایت بی‌شائبه مردمی می‌توانسته امکان تغییر و بهبود را در اختیار آن‌ها قرار دهد استفاده کند و تنها با راضی شدن به این عنوان که قدرت را در اختیار دارند و یا مردم را در پشت سر خود می‌بینند به اتمام تقویم سیاسی رضایت دهند. دوستان ممکن است که بر مجموعه مباحث صورت گرفته آن‌وقت‌هایی را وارد کنند و با استفاده از آن بگویند که در ایران آن انتظار و یا اشل کاری که برای حزب شناخته شده است را نمی‌توان بجای آورد و با این حرف به‌نوعی صورت مسئله را که همانا برداشت واقع‌بینانه از مفهوم حزب است پاک کنند که باید به دوستان این نکته را عرضه داشت که به‌لحاظ ما هم می‌دانیم که در ایران به‌مثابه همه جهان عقب‌مانده و یا در حال توسعه نمی‌توان مصداق روشنی از فعالیت حزبی ارائه داد اما این ناتوانی را نباید بر گستره مفهوم تحمیل کرد و با تحریف در آن گفت که اصلاح‌طلبی در ایران را باید جریان



در بخش‌های پیشین مطلب با تأکید روی این تلقی که مجموعه فعالیت‌های مصطلح به اصلاح‌طلبی در ایران را نمی‌توان یک جریان و یا حزب سیاسی دانست به این وعده رسیدیم که دلایل قطعی تری از دستری این برداشت را با ما ارائه بدهیم که چه ممالک توسعه یافته بدان نام فعالیت حزبی می‌نهند. تقدیم مخاطبان این سلسله از مقالات نمایم



حسن اسدی  
عضو شورای عالی سیاست‌گذاری  
حمای استان زنجان  
hassan.sadi.1338@gmail.com

پایدار تر از بنیان‌گذاران اثبات کرده باشد

۲ شکل و یا حزب باید محل ثابتی داشته باشد تا با حضور علنی زیر مجموعه ارتباط منظمی در درون مجموعه حزب به وجود بیاید. مشخصاً در این زمینه نیز مجموعه‌های اصلاح‌طلبی حرفی برای گفتن ندارند زیرا که نه‌دفا‌تر مرکزی و نه‌دفا‌تر استانی و شهرستانی امکان چنین اتکالی را ندارند و از این روی امکان ایجاد و استمرار ارتباط منظمی بین زیرمجموعه‌ها به‌وجود نمی‌آید

۳ اراده رهبران ملی و مذهبی آن بر کسب قدرت استوار باشد. حتماً دوستان خواهند گفت که در همه

و ادامه فعالیت سیاسی رسیده باشند که اگر روزی روزگاری بنیان‌گذاران به دلایلی نتوانستند در تداوم مشی حزب ثابت‌قدم بمانند آن‌ها راه و هدف حزب را پی‌بگیرند و یا حتی مبادا موت و پایداری خود بنیان‌گذاران را بر تداوم راه و ادار کنند

بهرآستی در چه زمانی و در کدام یک از شهرهای ما و در نزد آنانی که تحت عنوان فعال اصلاح‌طلب شناخته می‌شوند چنین نگرش و استمراری دیده‌شده است و یا کدام زیرمجموعه حزبی اصلاح‌طلبی را مشاهده کرده‌ایم که با دست بردن به تولید تئوری و یا تحلیل سیاسی پایداری خود را در کنار و

تشدیدات پایداری فعالیت حزبی را تحت‌تولیت بگیرد که پایداری سیاسی آن از پایداری سیاسی بنیان‌گذارانش بیشتر باشد و یا به عبارتی زیرمجموعه‌ها و اعضای آن به آن حد از بلوغ و دانایی در شکل‌دهی

دیدگاه

## نقد اصلاح طلبی راز ماندگاری آن

آقا چون توصیه امر و گوش نکردیم و کار رو دادیم دست ناهل، او هم دارد حالش رامی پرده هم کینه‌اش را با انقلاب آشکار می‌کند و اگر این است چرا نقد درونی اصلاح طلبی را به فردا واگذاریم؟ آقا به جرات می‌گویم به غیر از چند نفر اصلاح طلب واقعی که به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد بسیاری از این اصلاح طلبان پاک دست نیستند اصلاح طلبی را هستنند از خدا و خلق بریده هستند اصلاح طلبی را می‌دانند با آن آقای ولی نعمت خود میدانم با آن آقای رانت خوار تفاوت باشد چطور می‌توانم چشم‌ان را ببندم و با او در یک لیست باشیم اعلی‌م همین رامی گوید و به خاطر همین آقایان اصلاح طلب؟! او را قبول ندارند. یک نماینده اصلاح طلب باید الگوی آن چیزی باشد که می‌گوید وقتی شعار ما این است که اگر مجلس را نمایندگان واقعی ملت پر کنند و آن‌را از حالت فرمایشی خارج کنند بسیاری از زمینه‌های فساد برچیده خواهد شد. این راه را اثبات می‌توان دید و هم نفیاً در این صورت این سؤال پیش می‌آید آیا نماینده اصلاح طلبی می‌بایست در قبال عملکرد دولت چه موضعی بگیرد؟ اگر کوتاهی و نقصی دید فساد می‌دید. این دولت اصلاح باشد یا اصولگرا آیا برخوردی دوگانه داشته باشد؟ خودی غیر خودی کنده‌اند آنچه بهر انبوی می‌گفت یا همه را یکسان ببیند؟ آن طوری که اعلی‌م می‌گفت و می‌کرد؟ کدام یک معیار اصلاح طلبی است؟ اگر خودی و غیر خودی کند دیگر چه جفرقی است میان این اصلاح طلب و آن وکیل الدوله؟ آیا این توهین به رأی دهنده‌ها نیست؟ آیا این مسائل درون خانوادگی است یا مربوط به ملت؟ آیا مردم این نقدها را نباید بگذارند؟ چرا این نقدها و شفاف‌سازی‌ها نباید انجام شود؟ آن‌ها جلوه‌های توهین و نفی است. این حکومت که مردم هستند. ما راه بزرگی در پیش داریم. یکی از اهداف قطعی و مسلم انقلاب اسلامی نفی استبداد در هر شکل آن است. جمهوریت با استبداد جمع‌شدنی نیست که متأسفانه بر زمین مانده است و می‌رود به ضد ارزش بدل شود. این راه با تعارف و پنهان‌کاری پیش نخواهد رفت شفافیت می‌خواهد و جدیت و از همه مهم‌تر ایمان خالصانه.

**سرویس اندیشه:** یکی از اشکالات جریان اصلاح طلبی این است که به سیاست‌های قدرت‌های خارجی توجه ندارند. اگر ما نقد داخلی می‌کنیم و می‌خواهیم دموکراسی باشد و البته به نتایج آن‌ها پایبند خواهیم بود. این است که معتقدیم راه مبارزه واقعی با ظلم و بی‌عدالتی در جهان، مبارزه با قدرت‌های خارجی مبارزه با نابرابری در جهان هرگز مسیر توهین به ملت‌ها نمی‌گذرد اگر ما به خاطر مردم مستضعف از جمله مستضعفین ایران با قدرت‌های خارجی اختلاف داریم، حداقل باید با مردم آن از موضع قدرت برخورد و صحبت نداشته باشیم خضوع داشته باشیم و حقول امام خمینی مستضعفین و به تعبیر جامعه‌شناختی حکومت شوندگان و فاکتور قدرت که بار سنگین اداره جامعه بر دوش آن‌ها سنگینی می‌کند. ولی نعمت انقلاب و مسئولین هستند. نوکر که نمی‌تواند بر ولی نعمت خود قدرت‌نمایی بکند. مبارزه با بی‌عدالتی چند وجه دارد یکی از وجوهش همین فروتنی خضوع در مقابل ولی نعمت است. و جود دیگری هم دارد که به موقع به آن خواهیم پرداخت. علی‌ای حال کسی که بر روی مردم مسلح می‌کشد خس و خاشاک می‌نامد. تحقیر و توهین می‌کند. از القاب مبارزه بیگانه است. مگر آن‌ها که به مردم خود توهین می‌زنند و توهین خود را یاد می‌دهند و می‌توانند مبارزه کنند. ملتی می‌تواند مبارزه کند که در درون خانواده و جامعه عزت را آموخته باشد و این است که می‌بینیم آن قدر به ملت خود تحقیر و توهین کرده‌اند که ملت خاضع شده است و به راحتی به ستم‌بیگانگان نیز تن خواهد داد. دوستان عزیز اصلاح طلبی در واقع نقد درون است تا درون خود را دوباره بر اساس عزت ملت به عنوان ولی نعمت و ارباب حکومت بسازیم. تا جایی که حتی اگر ما را هم قبول نداشتند بپذیریم. در این صورت اگر جریان اصلاح طلبی بپرازد و اولی‌ترین نیست بی‌رحمانه‌تر از دیگران خود را نقد کنیم و آن‌هم در مآل‌عام؛ اگر ملت غریبه است، پس چطور در جلوی بیگانگان تشنای درونی ملت به اصلاح طلبی و اصول گرایی را علنی کرده‌ایم؟ کرده‌ایم تا بدانند آنچه که در ویرین انقلاب از خشونت و تحقیر مشاهده می‌کنند، از انقلاب و آرمان‌های بزرگش نیست خواسته شهدای بزرگوارش نیست، خواسته شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید هاشمی نژاد، شهید باکری، شهید همت نیست. این کالاهای کریه و چندان آور که قدرت‌های جهانی در بوق و کرنا کرده به جهانبان‌نشان می‌دهند که بفرمائید این هم از انقلاب مستضعفین! بگویم به‌خیر

## ۷

# گفتمان مسلط جامعه ایرانی و استبداد

آسیب‌شناسی معرفتی جامعه‌ی ایرانی (با نگاهی به گفتمان اصلاح طلبی)



رحیم حمزه



احمد حکیمی پور



علی مهری

گفتمان مسلط جامعه ایرانی (گفتمان نابرابر) از تسلط تام و کامل ثنویت در گفتمان ایرانی سخن به میان آمد و استبداد و چگونگی شکل‌گیری آن در درون جامعه از نقطه نظر گفتمان تشیع تاریخی و سستی و گفتمان نژاد آریایی مورد بررسی قرار گرفت و اینک گفتمان انقلاب اسلامی بر خاسته از اندیشه ضد گفتمان تشیع علوی که در نقطه مقابل تشیع سستی و تاریخی قرار می‌گیرد و به خواستگاه مبارزات ایران با هر گونه تفکر استبدادی مبتنی بر اشرافی‌گری به تبیین خواهد پرداخت.

این جزوه در واقع تلاشی است برای طرح یک گفتمان و یا ایجاد رخنه‌ای در سامان دانائی جامعه و جدا ساختن بحث ضرورت تحول معرفتی، بدیهی است این بحث با این جزوه بسته نمی‌شود و در واقع

این جزوه در واقع تلاشی است برای طرح یک گفتمان و یا ایجاد رخنه‌ای در سامان دانائی جامعه و جدا ساختن بحث ضرورت تحول معرفتی، بدیهی است این بحث با این جزوه بسته نمی‌شود و در واقع

جزوه «آسیب‌شناسی معرفتی جامعه ایرانی (با نگاهی به گفتمان اصلاح طلبی)» در سال ۸۶ تهیه و در سال ۸۷ تکمیل گردیده و در سال ۸۸ نیز مورد بازنگری قرار گرفته است. ابتدا در نظر داشتیم لحن جزوه را نیز به روز کنیم ولی از سوی دیگر لحن اولیه جزوه، حاوی نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی بود که حوادث بعد از انتخابات نیز مهر تأییدی بر آن‌ها محسوب می‌شد، از این رو در ترسیم فضای هندسی ادعاهای تحلیل و تفهیم آن‌ها تأثیر دارد، لذا ما را بر آن داشت تا همان لحن اولیه را در انتشار مجدد این تحلیل حفظ کنیم.

اما همان‌طور که پیش‌تر گفتیم ثنویت ایرانی از ماورای ما و داشتن اعتقاد به عصمت و پناهی خودی‌ها و جبهه حق و ناپاکی جبهه باطل و غیر خودی‌ها موجب می‌شود این موضوع در گفتمان انقلاب اسلامی مغفول افتاده و خود بجای آن در گفتمان انقلاب اسلامی حضور و کارکرد پیدا کند و جامعه اشرافی جدید بسته می‌شود خودی و غیر خودی نخست با افرادی است که فضیلت مجاهدت دارند و سپس در تعامل این افراد با خاندان‌های قدرت و ثروت و صاحب نفوذ به جامانده ساختار قبلی در هم می‌آمیزد و جامعه نابرابر و اشرافی جدید شکل می‌گیرد. لازم به توضیح است که نباید به معنای تحت‌اللفظی اشرافیت که مترادف تجمل‌پرستی و ثروت است توجه کنیم این‌ها بعداً به دنبال می‌آیند و حاصل می‌شوند اما لفظ اشرافی دقیقاً به معنای شرافت و برتری داشتن عده‌ای بر بقیه است. یعنی یک عده از انسان‌ها بر تری‌شان نه ناشی از تلاش و مجاهدت‌شان در زمینه‌های علمی سیاسی و اقتصادی (برتری اکتسابی) است، بلکه ناشی از انتساب و نسب است. و دیگران هر قدر هم تلاش کنند ره به جایی ندارند و فاقد این شرافت بوده‌اند و پایه

از پیامبر در دیدار با یکی از مخالفان بعد از فتح مکه و بجای این که از موضع قدرت صحبت بکنند و پیروزی خود را و قدرت به دست آمده‌اش را به رخ آن فرد مخالف بکشند و اولاً جای خودش را که از پوست حیوان بوده به آن مرد داد و خودش چهار زانو روی زمین خشک نشست از موضع تواضع وارد شد و گفت مگر از ما چه بدی ای دیده بودی که به دیدار من نیامدی؟! او سپس افزود اگر زمانی برسد که حکومت با مردم از موضع قدرت صحبت بکند یعنی قدرتی را که از همین مردم به دست آمده است به رخ همین مردم بکشد بداند انقلاب ما به انحراف رفته است؟! گفتمان ثنویت ایرانی این دو قسمت اخیر (امامت و عدالت) را بر نمی‌تابد و در گفتمان انقلاب اسلامی هم مغفول می‌ماند و هنوز هم نمی‌توانیم آن را بپذیریم. آیت... خمینی هم در وصیت‌نامه خویش این حق را قائل است و در فرای از سخنرانی هایش هم به آن اشاره می‌کند. (اشاره به جلسه بیعت مسلمانان با عمر که مسلمانان می‌گویند که اگر پات را کج گذاشتی ما این شمشیر را سمت می‌کنیم و این از شرط طبیعت است خمینی هم می‌گویند اگر من هم پایم را خلاف گذاشتم...

شیعه مخالف این نظر بود؛ رفتار ائمه هم در زمان خلفا مؤید چنین اعتقاد از سوی آنان است و دلیل این که شیعه معتقد است یکی از ادله فقهی حکم عقل است نیز به این اصل برمی‌گردد. وقتی ماقبول کردیم شیعه هستیم یعنی قبول کرده‌ایم که خداوند مطابق عدل حکم می‌کند و قبول کرده‌ایم که می‌تواند و باید اعمال حاکمان اسلامی را با عقلمان بسنجیم قبول کرده‌ایم اعتراض را و...  
و به نظر ما چگونه امامانی چنین شورانگیز که جان خود را برای این اعتقاد داده‌اند اگر حکومتی برپا می‌کردند حق اعتراض را از معتزین سلب می‌کردند مگر می‌شود حسینی که بنیان‌گذار مکتب اعتراض است خود حکومتی برپا کند و این حق اعتراض را برای معتزین قائل نباشد؟! و مگر امام علی این حق را از معتزین خود سلب کرد؟ رفتارهای پیامبر اسلام و ائمه با مخالفانشان چگونه بود؟ با سب کنندگان و اهانت کنندگانشان چگونه بود؟ مالک اشتر نخعی چه کسانی را لگژی خویش گرفته بود که رفتار سب با سب‌کننده‌اش چنان بود؟ ختم کلام این که دکتر بهشتی در جمع مردم ترکمن در گنبد بعد از مسئله خلق ترکمن یادکر خاطره‌ای

اما اصل عدل هم واجد همین معناست استاد مطهری در بیان دلایل این که اصل عدل جز اصول دین در مذهب شیعه قرار گرفته است آن را چنین توضیح می‌دهد (نقل به مضمون)  
هم شیعه هم اهل سنت به این قائل هستند که خداوند عادل است. پس تفاوت این دو مذهب در چیست؟ استناد می‌گوید اهل سنت معتقد بودند خداوند عادل است به این معنا که هر چه انجام دهد مطابق عدل امر می‌کند یعنی هر چه مقتضای عدل باشد خداوند هم به آن امر می‌کند. بحث حسن و قبح ذاتی است یا خیر (دعوی معتزله و اشاعره) هم ناظر به این معناست معتزله معتقد بودند چون عمل زنا بد است خداوند دستور به حرام بودن آن داده است. ولی اشاعره معتقد بودند چون خداوند آن را حرام جلست زشت است البته این به یک معنای درست است اما آن‌ها (اشاعره) بدین وسیله می‌خواستند اعمال خلفا را غیر قابل انتقاد جلوه بدهند به این معنا که چون خلفا نماینده خدا هستند هر چه بگویند عین عدل است و کسی هم حق اعتراض ندارد. اما

## سخنرانی دبیر کل حاما در جلسه افتتاحیه شاخه استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۷۸

### چرا ما هستیم؟ (فلسفه و جودی حزب اراده ملت ایران)

#### قسمت پایانی

بیان گردید که در این شماره به بقیه علل و در ادامه به جایگاه حزب در کنار سایر گروه‌های دوم خرداد پرداخته شده است و اینکه پاسخ سؤال چرا با وجود این همه گروه و حزب که داعیه اصلاح و رهبری و پیشبرد جنبش جامعه مدنی و توسعه فرهنگ مشارکت در جامعه را دارند، ما نیز می‌خواهیم شکل جداگانه‌ای در دست کنیم؟ و سؤال اساسی‌تر که در این بخش پایانی بدان پرداخته می‌شود: اما چرا نسل ما؟

افتتاحیه شاخه استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۷۸ زیر عنوان «چرا ما هستیم؟» نامده است. در بخش‌های قبلی این نوشتار ضمن اشاره به تجربه و توشه یک صدساله اخیر و اندوخته‌های گران‌سنگ پیش‌نشانان جنبش اصلاح طلبانه و فراز و نشیب‌ها، امیدها و ناامی‌های آن، عدم وجود فرهنگ کار جمعی، عدم اعتماد به نفس و عدم استقلال گروه‌ها و شخصیت‌های داعیه‌دار اصلاح از جمله «علل به نتیجه نرسیدن حرکت‌های اصلاحی گذشته» دانسته شده، در این راستا از جمله علل تشکیل حزب

یکی از مباحث ضروری هر حزب و حرکت سیاسی، پاسخ مناسب به فلسفه وجودی خود است، و اساساً اینکه چرا یک حزب سیاسی شکل می‌گیرد و شکل‌گیری آن برای پاسخ به کدام یک از نیازها و خلأ‌های موجود در نظام سیاسی و اجتماعی آن کشور است، از مباحث بنیادی یک شکل سیاسی محسوب می‌شود. بر این اساس هفته‌نامه اراده ملت در راستای معرفی مبانی شکل‌گیری و فلسفه وجودی حزب اراده ملت (حاما) مبادرت به انتشار سخنرانی دبیر کل حاما در جلسه

#### • اما چرا نسل ما؟ ویژگی‌های نسل ۱۷ شهر پور

این نسل چه ویژگی‌هایی دارد و چرا باید سامان‌جایی به خود بدهد. به‌طور مختصر و فهرست‌واری می‌توانم بگویم که:

- ۱) نسل مانسلی است که انقلاب و بیست سال پرفراز و نشیب پس از آن را درک کرده. بیست‌سالگی که به‌تنهایی تجربه‌ی دو بیست‌سال فشرده را در خود جای داده است.
- ۲) نسل ما در موقعیتی نبوده که دخالتی در تصمیمات گذشته کشور را به این روز انداخته باشد و اساساً به دلیل شرایط زندگی و سنی خود چنین مجالی برایش فراهم نبوده است؛ پس دلیلی هم بر هم‌سر نوشتن بودن با تصمیم‌گیرندگان گذشته ندارد این نسل نسل سؤال‌کننده است نه جواب‌گو.
- ۳) نسل ما در حد خود در انقلاب نقش داشته، از آن حمایت کرده، در جنگ سهم خود را در دفاع از کیان دین و کشور ادا کرده و در واقع به‌مثابه سربازان، رهبران و مدیران انقلاب هستی خود را خالصانه تقدیم کرده و آنچه می‌توانست برای قوام انقلاب و نظام برخاسته از آن هزینه کرده است، پس نتنها

بدهکار نیست بلکه باید طلبکار هم باشد. ولی آن اندازه قانع و نجیب می‌باشد که ادعای طلب کاری نمی‌کند بلکه هنوز خود را بدهکار مردم و کشور خود می‌داند.  
۴) نسل ما تکامل طبیعی نسل‌های قبل از خود می‌باشد و در واقع خلاصه و چکیده ده‌ها سال مبارزه و تلاش بزرگان و مصلحان این کشور می‌باشد که در آرزوی آبادی و سعادت و آزادی وطن خود حسرت بدل ماندند. پس نسل ما شاگرد لایق و مستعد تاریخ کشور خود و تحولات سیاسی و اجتماعی آن می‌باشد و بایستی درس خود را خوب بیاموزد و به‌خوبی هم پس بدهد و از توشه و ذخایر عظیم حاصل از تجارب تلخ و شیرین جریانات و گروه‌ها و شخصیت‌های تاریخی و مبارزه و مصلح کشور درس‌های عملی لازم را برای انجام چنین مسئولیتی نشان دهد و نسل بعد از خود را به‌خوبی هدایت و تعلیم نماید. نسل ما چون شاگردی قدر دان و مؤدب از گذشته و گذشتگان درس‌های لازم را می‌گیرد ولی در عین حال آن‌ها را نقد مثبت هم می‌کند تا راه کمال جامعه را به‌درستی ببیند.

۵) و مهم‌تر از همه، نسل ما به دلیل شرایط خاص خود آلوده به برخی مسائل نشده و در معرض آلودگی‌های مالی یا اخلاقی یا قرار نگرفته و یا کمتر قرار گرفته است و لذا می‌تواند مدعی بسج و هماهنگی دست‌های پاک برای اصلاح و نجات کشور مان باشد.  
• نتیجه  
پس نسل ما باید با استفاده از تمامی این تجارب، نیاز اساسی برای ساماندهی خود را احساس کند تا بتواند دست در دست هم برای آینده کشور بر نام‌ریزی منسجم و واقع‌بینانه داشته باشد. ضمن اینکه فرصت‌ها را مغتنم شمرده و از آن‌ها نهایت استفاده را خواهند نمود. مثل فرصت حضور در مجلس و پایگاه قانون‌گذاری کشور و یا فرصت حضور در نهاد شوراهای اسلامی در سراسر کشور و یا حضور فعال در رده‌های مختلف مدیریتی کشور و غیره، ولی هیچ‌گاه خود را اسیر این فرصت‌ها و لحظه‌ها نخواهد کرد.  
پس از نسل ما کسانی که انگیزه کار سیاسی و جوهره چنین فعالیت‌کاری را دارند همانند شما عزیزانی که در این جلسه حاضر شده‌اید اقدام به تشکیل حزب اراده ملت ایران می‌کنند

سازمان آگهی  
اراده ملت  
۴۴۶۷۲۹۳۴

دیدگاه

پرسش و پاسخ با آموزش و پرورش در سامانه انتشار و گردش آزاد اطلاعات

سامانه انتشار و گردش آزاد اطلاعات اقدام مؤثری در جهت شفافیت خدمات مؤسسات عمومی کشور است. هر شهروند حق دارد از مؤسسات عمومی پرسش‌های خود مطرح کند و مؤسسات عمومی در مدت ده روز موظف به پاسخ‌گویی هستند. در صورت عدم پاسخ‌گویی و در صورت موارد به کمیسیون انتشار و گردش آزاد اطلاعات، کمیسیون پاسخ را پیگیری می‌کند. آنچه در زیر مطالعه می‌کنید پرسش‌های من از آموزش و پرورش به‌عنوان یک شهروند و پاسخ‌های آموزش و پرورش به یک شهروند است:

پرسش با کد رهگیری ۰۴۳۱۳۹۰۳۱۴۲

بر اساس اخبار منتشره یک عضو هیئت‌رئیس شورای شهر تهران هشدار داد که بیش از هزار واحد آموزشی تهران در بافت فرسوده قرار دارند. به گفته وزیر آموزش و پرورش در کل کشور سی درصد مدارس فرسوده‌اند. فرسودگی مدارس در نواحی کشور بیشتر از پایتخت است. خواهشمند است صحت‌وسقم خبر منتشره را اعلام فرمایید.

پاسخ

بله این موضوع صحت دارد و عضو هیئت‌رئیس شورای شهر تهران برای تأکید به شهردار تهران این موضوع را عنوان کرده است. خیرین هم‌دمست به کار شده‌اند اما مدارس فرسوده شهر تهران به‌عنوان پایتخت ایران زیاد است و این امر با کمک و همکاری شهرداری، استانداری، فرمانداری و سازمان‌های دیگری می‌تواند بر طرف شود. ضمن تقدیم استاندار تهران در جلسه شورای آموزش و پرورش شهر تهران که چندی پیش برگزار شده بود گفتند با توجه به کمبود شانزده هزار کلاس درس در شهر تهران باید تا پایان نیمه‌ششم سه هزار کلاس درس تخریب و نوسازی شوند. استاندار تهران بر شناسایی و دعوت خیرین نیک‌اندیش در امر مدرسه‌سازی تأکید کرد و گفت: «اولویت کار فرهنگی در شهر تهران ساخت مدرسه است.» وی بر تأمین ۱۶ هزار کلاس درس مورد نیاز تهران و حذف مدارس دو شیفته با استفاده از منابع شهرداری‌ها، مؤسسات مالی و اقتصادی و کارخانجات تأکید کرد.

پرسش با کد رهگیری ۰۸۷۴۶۱۱۸۲۳

پایگاه خبری اخبار پولی و مالی اقدام به انتشار خبر زیر کرده است: «به گزارش اخبار پولی مالی کارکنان رسمی پیمانی، کشوری و لشگری، کارکنان قراردادی و شرکتی و مستمری بگیران صندوق‌های بازنشستگی کشوری، لشگری که حقوق آن‌ها ماهانه کمتر از ۳ میلیون تومان است، جبرانی خواهند گرفت.» متن مصوبه مزبور به شرح زیر است: هیئت وزیران در جلسه ۹۷/۸/۲ به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان برنامه و بودجه کشور و استناداً به یکصد و هشتاد و هشت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد:

- ۱- سازمان برنامه و بودجه کشور مجاز است برای کارکنان رسمی و پیمانی کشوری و لشگری، کارکنان قراردادی و شرکتی و مستمری بگیران صندوق‌های بازنشستگی کشوری، لشگری و حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد و سیار صندوق‌ها که مجموع پرداختی ماهانه آن‌ها کمتر از سی میلیون ریال است، کمک جبرانی از طریق حساب‌های بانکی مرتبط با حقوق و دستمزد آن‌ها واریز کند.
  - ۲- منابع مالی مورد نیاز این تصویب‌نامه از محل مصوبه دولت در خصوص طرح حمایت غذایی از گروه‌های کم‌درآمد جامعه تأمین می‌شود.
  - ۳- مسئولیت و چگونگی اجرای این تصویب‌نامه بر عهده سازمان برنامه و بودجه کشور است.
- اسحاق جهانگیری - معاون اول رئیس‌جمهور  
آیا این خبر صحت دارد و اگر بله چگونه پرداخت می‌شود؟

پاسخ

تابه امروز یعنی ۱۳۹۷/۰۸/۲۶ هنوز ابلاغیه مشخصی برای این منظور به آموزش و پرورش ارسال نگردیده است ولی در عین حال کلیه ارگان‌های دولتی و از جمله وزارت آموزش و پرورش منتظر ابلاغ و تعیین سازوکارهای نهایی این مصوبه هستند.



رضا قاسم پور  
مسئول کمیته فرهنگی حزب اراده ملت ایران  
bzanganli@gmail.com

با اندکی اغماض و البته واقع‌بینی باید شهردار تهران را سومین دولتمرد مؤثر و پرنفوذ کشور پس از مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور تلقی کنیم. گستردگی مسئولیت‌ها و حیطه اختیارات، حساسیت‌های خاص پایتخت، امکانات و منابع مالی فراوان و حوزه اثر بخشی و... دلایل اهمیت فوق‌العاده پست شهرداری پایتخت می‌باشد. برای نمونه بودجه و امکانات فرهنگی شهرداری تهران به‌تنهایی از بودجه وزارت ارشاد و ده‌ها نهاد موازی فرهنگی به مراتب بیشتر است.

به همین دلیل از دیرباز احزاب و شخصیت‌های مؤثر سعی در انتخاب همفکران و نزدیکان خود در این پست استراتژیک و محوری داشته و دارند. در کشورهای توسعه‌یافته هر کس شهردار پایتخت باشد، معمولاً از شانس‌های اصلی ریاست‌جمهوری برای ادوار آتی خواهد بود. در ایران نیز پست شهرداری پایتخت عملاً سکوی پرتاب دکتر محمود احمدی‌نژاد به نهاد ریاست‌جمهوری گردید.

پیروز حناچی متخصص و اصلاح‌طلبی حاشیه

پیروز حناچی متولد ۱۳۴۳ تهران و البته زنجانی‌الاصیل می‌باشد. وی از رزمندگان دفاع مقدس و اصلاح‌طلبان بی‌حاشیه و تحصیل کرده بوده و در دوره اصلاحات و

پیروز حناچی

نخستین شهردار ترک‌تبار و متخصص تهران



همچنین تدبیر و ایمله مسئولیت‌های حساسی را در حوزه‌های عمران، شهرسازی و... داشته است. حناچی از کاندیداهای شهرداری تهران در سال ۹۶ بود. وی با انتخاب نام‌معمول دکتر نجفی به‌عنوان شهردار تهران وارد کابینه وی و همچنین شهرداری بعدی گردید. برخی پیروز حناچی را به خاطر سوابق چندوجهی، تحصیلات مرتبط و طی کردن سلسله‌مراتب پله‌های ترقی، نخستین شهردار متخصص پایتخت قلمداد می‌کنند. وی در ۲۲ آبان ۹۷ با پشت سر گذاشتن عباس آخوندی سومین شهردار تهران در دو سال اخیر می‌باشد. حناچی دانش‌آموخته معماری و مرمت‌بناهای باستانی و متخصص در حوزه شهرسازی و آشنا به مسائل امور شهری است.

وی در عین گرایش‌ات اصلاح‌طلبی در نوک تخریب‌های رقیب و تیرس شیطنت‌ها نیست. در عین حال معاونت معماری و شهرسازی شهرداری و همچنین معاونت‌های عمرانی شهرداری تهران را در رزومه کاری خود حک کرده و به جرأت می‌توان گفت که تنها شهردار متخصص تهران حداقل در دهه‌های اخیر می‌باشد.

تهران شهری برای همه

حناچی به درستی معتقد است که دولت باید بیش از نیم میلیون واحد خالی در تهران را شناسایی و برایشان مالیات ببیند. همچنین وی معتقد است که وابستگی بودجه‌های شهرداری به منابع عمومی و دولتی باید قطع شده و بجای تراکم فرشی به دنبال حرکت به سمت درآمد پایدار برای پایتخت بود.

خیانت به آموزش و پرورش و محمدعلی نجفی

نجفی با وجود تمام حواشی ایجاد شده هنوز هم یکی از محبوب‌ترین چهره‌های فرهنگیان می‌باشد. خاطرات خوش معلمان از دوره وزارت وی در یاد قدیمی‌ها نقش بسته است. وی مدیری لایق در عرصه فرهنگی و البته ناتوان در عرصه‌هایی چون

شورا و شهرداری است. اهمال دکتر نجفی و خیانت مجلس در دور اول روحانی در عدم رأی اعتماد به وزارت آموزش و پرورش وی زخمی کاری بر پیکره عظیم الجثه و البته مریض این وزارتخانه تلقی می‌گردد.

آموزش و پرورش و شهرداری‌ها

در طول یک‌ماه و اندی تلاش و تقابل برای تجهیز و تعمیر هنرستان مستغیب‌گور هشتاد و پنج سال قبل از آن چهار سال تجربه مدیریت هنرستان هنرهای زیبای زنجان به این نتیجه رسیدم که رؤسای آموزش و پرورش در کل کشور روابط حسنه و برد برد با دیگر سازمان‌ها و به‌ویژه شهرداری‌ها ندارد.

باغ ناصر

بهترین دوران بچگی مان را در باغ ناصر گذرانیدیم. بزرگ‌تر که شدیم، هر کدام به سویی رفتیم. سامان برادرم طراح بزرگ قالی شد و در طرح‌های همیشه باغ ناصر الهام می‌گرفت. خواهرم ساناز معماری تهران قبول شد و من هم تاریخ‌خواندم و همه ما بچه‌های محل کلا "موفق" بودیم. رضا هم بازی مابترین و قوی‌ترین مکانیک‌محله شد و سیامک پسر آقا ناصر تاجر بزرگ و مهتاب دختر آقا پوزیزیکی از باند‌های بزرگ صورت فرش شده بود، لیلیا خواهرش دبیر فیزیک و شروین پسر محمد آقا دندان‌پزشک شده بود.



فاطمه امامی  
فatemeh5@gmail.com

هر روز صبح با صدای خروس همسایه‌ها و نور آفتاب که بر سقف پشه‌بند می‌خورد از خواب بیدار می‌شدیم. من و برادرم سامان و خواهرم ساناز صبح که از خواب بیدار می‌شدیم، صبحانه را همگی دور همی بالذت در ایوان‌ها نمی‌خوردیم. بعد از صبحانه و جمع کردن سفره لباس‌هایمان را می‌پوشیدیم، طبق قرار قبلی و همیشه به باغ ناصر، همسایه می‌رفتیم همه بچه‌های محل قراشان باغ همسایه بود. باغ ناصر، یک خانه یک هکتاری بود که با بچه‌های او هم‌بازی بودیم.

یک روز بعد از اتمام امتحانات کارشناسی ارشد که خوشحال به خانه برمی‌گشتم، دیدم محله را خاک و صدا گرفته جلوتر که رفتم، دیدم باغ ناصر را خراب می‌کنند و می‌خواهند برج بسازند آن روز بدترین روز زندگی من بود، باغ‌خاطرات ما، اکسیژن و چشم‌انداز منطقه را خراب می‌کردند. خاطرم است ساعت‌ها به بولدوزها نگاه می‌کردم و وقتی به خودم آمدم دیدم لباس‌هایم از شدت گریه خیس شده‌است. هوا خیلی سرد بود سریع رفتم خانه لباس‌هایم را عوض کنم، رفتم سرکنجه تا بلوز خود را عوض کنم چشمم به بافتنی آبی رنگ قشنگی خورد، وقتی باز کردم آن را بپوشیدم نقش زیبایی روی آن بافته شده، نقش زیبایی روی بافتنی که مادرم بافته بود باغ ناصر بود، طرح باغ آن قدر زیبا بافته شده بود که بی‌اختیار زدم زیر گریه. مادرم سراسیمه وارد اتاق شد گفت سحر چرا گریه می‌کنی؟ گفتم: مامان چقدر زیبا بچگی‌های محله را بافتی! مادرم اشک در چشمانش بود گفت عزیزم این تنها کاری بود که من می‌توانستم برای خاطرات زیبای شما و محل انجام دهم. تابه امروز این بلوز را با خودم دارم، این بلوز خاطرات زیبایی من از دوران بچگی است که به تاریخ پیوست.

سمن‌ها و چگونگی ارتقا مشارکت‌های اجتماعی



حمیدرضا قاندلی  
hamrhaed3@gmail.com

احقاق حقوق شهروندی است. تحقیقاً آن بی‌رویه بعد همه بر روی تأثیر گذاری و هدایت مردم از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد اتفاق نظر دارند. افکار عمومی زمانی با محوری خاص هم‌قدم می‌شوند که رابطه موضوع با منافع و نیازهای شخصی آن‌ها به نحوی شفاف مشخص شود در این شرایط است که پایداری رأی و نظر فزونی خواهد یافت. به همین منظور در جلب افکار عمومی هدف مقدم بر روش دستیابی تعریف می‌شود. رویکرد سازمان‌های مردم‌نهاد تأکید بر تغییر عادات و رفتارهای مدنی در حوزه‌های مختلف است تا از این طریق بتوانند همگرایی مردم‌نست به سیستم سیاسی را افزایش دهد. لذا با عنایت به بن‌بست نگرش ابزاری، اگر نگاه اخلاقی و زیربنایی و اخلاق‌گرا مورد توجه سمن‌ها قرار گیرد این رویکرد موجب تعامل سازنده و دوسویه مردم‌با سیستم سیاسی خواهد شد و در نهایت مشارکت‌های اجتماعی به‌صورت چشمگیری ارتقا پیدا خواهد یافت.

نهادهای مردمی می‌توانند قدرت سیاسی را تقویت و دستگاه‌بوروکراتیک را یاری کنند و به‌عنوان عامل تقویت انسجام سیاسی، تعامل نظام سیاسی و مشارکت‌های اجتماعی عمل نمایند. امروزه علوم گوناگون با مطالعه چگونگی شکل‌گیری قدرت به سوی مشارکت شهروندان و سهیم شدن فعال آن‌ها در این چرخه توجه دارد، همین امر مدیریت جامعه را از یک نگاه تک‌جانبه، به‌رویکردی دوسویه و توانمند در قالبی تعامل محور سوق داده است. در این بین مقدمه توسعه اجتماعی متوازن رعایت اصول حقوق شهروندی به‌عنوان شرط اصلی تحقق جامعه مدنی است. لذا سیاست‌گذار به‌منظور بهره‌مندی از توان عمومی جوامع باید شکل متقابل

## سطح توقع مردم از زندگی در دوران هاشمی افزایش یافت

چوادمسعودی  
پژوهشگر و روزنامه نگار  
masoudi347@gmail.com

توقع مردم از سطح زندگی بالا رفته اگر در دهه شصت شمسی حداکثر توقع یک کارمندان داشتند و وسیله نقلیه بر خورداری از یک موتورسیکلت برای ایاب و ذهاب خود و خانواده اش بود، امروز در آغازین سال های دهه نود همین کارمند به کمتر از خود و او هم از نوع کم مصرف بسنده نمی کند. امروز دیگر مثل دهه شصت که کودکان اسباب بازی هایشان را خود می ساختند و با آن بازی می کردند، نیست و کودکان امروزی به کمتر از بازی های رایانه ای مثل میکرو، آتاری، سونی و انواع گیم های جدید خارجی که وارد بازار شده، رضایت نمی دهند و قس علیها. اگر چه قشر متوسط جدید شهری در سال های سلطنت پهلوی دوم بود که وارد جامعه ایران گشته بود، اما بعد از انقلاب اسلامی و خصوصاً بعد از جنگ تحمیلی، به لحاظ شرایط حساس و بحرانی کشور و همچنین وجود اقتصاد دولتی و در نتیجه نبود تورم های عدیده امروزی که در پی هر آزدسازی قیمت ها و یا تعدیل اقتصادی به وقوع می پیوندد؛ بیشتر فکر و ذکر مردم و مسئولین به سمت جبهه ها و در نهایت مبارزه با دشمن در قالب تأمین نیروی انسانی و نیازهای نقدی و جنسی و به عبارتی پشتیبانی از جبهه و جنگ بود و نیازهای زندگی مدرن رفاهی هنوز خود را نشان نداده بود. تنها باروی کار آمدن علی اکبر هاشمی بهرمانی بود که این اتفاق افتاد. ایده اکبر هاشمی رفسنجانی در اجرای سیاست های راهبردی داخلی؛ توجه به تعدیل اقتصادی و به عبارتی خصوصی سازی در نظام اقتصادی کشور بود. او در زمان ناسامانی اقتصادی بعد از جنگ را در راهی از اقتصاد وابسته به دولت دانست و بر این اساس بود که تیم اقتصادی او اولین برنامه پنج ساله توسعه کشور را جهت انجام اصلاحات

رئیس جمهور، تدوین و اجرا کرد.

هاشمی با چنین ایده ای بود که وارد عمل گشت، هر چند بعدها و حتی در دوران ریاست جمهوری خود از سوی مخالفانش - که مدعی بودند در دوران او بود که به تدریج سطح توقع مردم از زندگی بالا رفت - به اشاعه اثر افی گری، تجمل گرایی و مصرف گرایی در ادارات دولتی و سطح وسیعی از اقشار جامعه متهم گشت. اما خود وی عقیده دارد که برنامه های او برای استفاده از زندگی بهتر مردم در راستای فرامین اسلام بوده و اینکه با جدیت به دنبال ورود مردم به فعالیت های اقتصادی بوده است به خاطر خارج کردن آن ها از انزوای جلویی از تصرف مواهب طبیعی به دست دشمنان اسلام بوده است. در خصوص رشد اقتصاد داده شده است را با کار و تولید بیشتر به بهترین شکل آن - که افزایش مصرف داخلی و بعضاً صادرات کالای مازاد و خدمات نتیجه آن بود - پاسخ دهند. از طرفی هاشمی با این استدلال نتیجه می گیرد که وضع رفاهی مردم بهتر شده که به سوی مصرف گرایی متمایل شده اند. وی در توضیح این مورد می گوید: «اگر تولید نبود که مصرف بالا نمی رفت، پس وضع بهتر شد و مردم کار پیدا کردند. کسی که کار نکند چیزی به عنوان پس انداز ندارد. وقتی شغلی پیدا کند، درآمد خود را مصرف می کند. مردم به طرف کالاها ماندگار شدند. تا آن موقع مصرف مردم بیشتر در لباس و خوراک، آن هم در حد کالاهای کوبنی بود. بعدها به فکر گیم، دوچرخه و موتورسیکلت ماشینی، بیخچال و امثال این ها افتادند.» (۱)

به هر حال بنا بر آنچه هاشمی مدعی بالا رفتن

سطح تولید و به تبع آن افزایش سطح مصرف کالا در دوران توسعه و تعدیل اقتصادی خود می داند، باید به یک نکته مهم دیگر نیز اشاره داشت و آن بالا رفتن سطح توقع مردم از یک زندگی معمولی و ابتدایی دوران اوایل انقلاب است. مسلم است که با افزایش تولید ما شاهد افزایش مصرف و نهایتاً بالا رفتن سطح توقع مردم نیز خواهیم بود. در دوران هاشمی که فضای غبار آلود جامعه و نظام بین الملل نسبت به ایران کمی بهتر شده بود، مردم ایران همانند بسیاری از مردم کشورهای دور و نزدیک که با انفجار اطلاعات و فناوری های بسیاری از جمله توسعه روز افزون رایانه ها و همچنین ظهور پدیده های نام تلفن همراه و سپس استفاده از دنیای مجازی اینترنت و... آشنا و روبرو شدند. دیگر توقع نداشتند که به آنچه هاشمی داشتن دو چرخه و گیم و موتور می نامید، بسنده نمایند و اکنون توقع و خواست مردم رفته رفته از این چیزها فراتر رفته و خواستار استفاده از تکنولوژی های روز دنیا همانند داشتن خودرو، ماهواره، اینترنت و بسیاری دیگر از این دست کالاها شده بودند، چرا که به دلیل برخورداری از پیشینه فرهنگی و تمدنی قوی خود را لایق برخورداری از محصولات و مصنوعات این گونه فناوری ها و پیشرفت های روز دنیا می دانستند. علاوه بر این در حوزه سیاسی نیز به دنبال استفاده از حقوق شهروندی در ایجاد یک جامعه مدنی از سوی نخبگان فکری و سیاسی خود بودند. می توان دریافت که بالا رفتن سطح توقع مردم رابطه محکمی با فرهنگ شهر نشینی دارد، به طوری که روستائیشانی که سابق بر این در روستا فقط به دنبال آب، برق، خوراک و پوشاک خود بودند، زمانی که به شهر مهاجرت می کنند، همسو با فرهنگ شهر نشینی، چیزی بالاتر از آنچه که قبلاً به آن راضی بودند، مطالبه می نمایند. با توسعه فرهنگ شهر نشینی، مشخص بود که سطح توقع مردم بالا خواهد رفت. در این خصوص برای خانواده ها علاوه بر تهیه مواجب

دیدگاه

### پرسش و پاسخ بانک مرکزی در سامانه انتشار و گردش آزاد اطلاعات

سامانه انتشار و گردش آزاد اطلاعات اقدام مؤثری در جهت شفافیت خدمات مؤسسات عمومی کشور است. هر شهروند حق دارد از مؤسسات عمومی پرسش های خود مطرح کند و مؤسسات عمومی در مدت ده روز موظف به پاسخ گوئی هستند. در صورت عدم پاسخ گوئی و در صورت موارد به کمیسیون انتشار و گردش آزاد اطلاعات، کمیسیون پاسخ را پیگیری می کند. آنچه در زیر مطالعه می کنید پرسش های من از وزارت امور خارجه به عنوان یک شهروند و پاسخ های بانک مرکزی به یک شهروند است:

پرسش با کد رهگیری  
۱۵۴۰۳۰۳۴۹۸۸۷۳

بند ب از ماده یک قانون پولی و بانکی کشور تصریح دارد: «یک ریال برابر یک صد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم ۰،۰۱۰۸۰۵۵ گرم طلای خالص است.» همچنین بند ج از ماده یک قانون پولی و بانکی کشور تصریح دارد: «تغییر برابری ریال نسبت به طلا به پیشنهاد بانک مرکزی ایران و موافقت وزیر دارایی و تأیید هیئت وزیران و تصویب کمیسیون های دارایی مجلسین میسر خواهد بود.» با عنایت به این دو بند خواهشمند است اعلام فرمایید علت نوسان قیمت طلا و سکه طلا چیست زیرا از مفاد این دو بند استنباط می شود نسبت قیمت طلا به واحد پول نسبتی است ثابت که تغییر آن فرآیندی جداگانه دارد.

پاسخ

در رابطه با مورد مطرح شده به اطلاع می رساند قانون پولی و بانکی کشور در کمیسیون های تخصصی مجلس در حال اصلاح می باشد.



پرسش با کد رهگیری  
۱۵۴۰۳۳۸۳۴۶۱

خواهشمند است اعلام فرمایید آیا رابطه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با سوئیفت قطع شده است؟

پاسخ

به آگاهی می رساند برای دسترسی به اطلاعات بیشتر درباره سوئیفت، ضروری است به پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی مراجعه و اطلاعیه اخیر بانک مرکزی را تحت عنوان «روابط عمومی بانک مرکزی اعلام کرد: سوئیفت نقشی در نگهداری حساب ها و تسویه ارزی ندارد.» مطالعه فرمایید.

## سیاست های جمعیتی ضد توسعه در تاریخ معاصر

هوشنگ عطاپور  
فعال سیاسی و روزنامه نگار  
dr\_atapour@yahoo.com



مقوله جمعیت و توزیع متوازن آن، از مؤلفه های بنیادین سیاست های توسعه پایدار است؛ زیرا هر نوع تحرک جمعیتی که منجر به برهم خوردن تعادل بین منابع و جمعیت شود، می تواند آثار خسارت باری در ساختارهای زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور بر جای بگذارد.

داده های جمعیتی کشور در تاریخ معاصر نشان می دهد منطقه آذربایجان دانسته، هدف سیاست های جمعیتی ناهمگون در دوره پهلوی ها بوده است که ماه عسل این اقدامات در نهایت به تحرک جمعیتی از آذربایجان به دیگر نواحی کشور منجر شد و رشد و توسعه متوازن آذربایجان را در مقایسه با دوره قاجار یا یک سکنه کننده مواجه ساخت. برای اثبات این ادعا فقط به یک داده تاریخی اشاره می کنم: خانم دکتر منصوره اتحادیه، استاد بازنشسته تاریخ دانشگاه تهران، در مقاله ای با عنوان «تطبیق شرایط اجتماعی - سیاسی آذربایجان و فارس در آستانه انقلاب مشروطه» که در فصلنامه پژوهش های مطالعات علوم انسانی منتشر شده است، در خصوص جمعیت ایران نکات جالب توجهی آورده است. بر اساس مقاله فوق جمعیت ایران در سال ۱۸۶۸ میلادی (۱۲۸۴ ق.) چهار میلیون چهار صد هزار نفر بوده است که در همان تاریخ جمعیت تهران ۸۵ هزار نفر، جمعیت شیراز ۲۵ هزار نفر و جمعیت تبریز ۱۱۰ هزار نفر بوده است در سال ۱۹۱۳ میلادی (۱۳۳۱ ق.) جمعیت ایران ده میلیون نفر و جمعیت تهران ۳۵۰ هزار نفر، جمعیت شیراز ۳۰ هزار نفر و جمعیت تبریز ۳۰۰ هزار نفر بوده است؛ یعنی از سال ۱۲۸۴ ق. تا سال ۱۳۳۱ ق. جمعیت تبریز سه برابر شده است و جمعیت

تهران نیز نزدیک چهار برابر گردیده است. در طی همین سال ها آذربایجان از امن ترین نقاط کشور و آب و هوای ایران و مرکز اصلی ارتش کشور بوده است (مستند به مقاله دکتر اتحادیه) در سال های بعد تا دوره حاضر در اثر اجرای سیاست های اصلاحات ارضی و انقلاب سفید و رشد نامتوازن سرمایه گذاری ملی و عدم رسیدگی به آذربایجان بالاخص بعد از حوادث سال های ۱۳۳۲ تا ۲۵ شمسی، آذربایجان مورد بی مهربی و بی توجهی دولت مرکزی قرار گرفت و در نهایت به یکی از مهاجر پذیرترین مناطق ایران تبدیل گردید. سیاست های دوره پهلوی البته محدود به آذربایجان نشد، بلکه کلیه مناطق آذربایجان و استان های جنوب زاگرس را نیز به این سرنوشت مبتلا نمود یعنی برخلاف وجود منابع آبی و خاکی در آذربایجان و زاگرس جنوبی، اکثر سرمایه گذاری های اقتصادی و کشاورزی در مناطق مرکزی و کویری ایران صورت گرفت. اکثر صنایع آب بردار طرف تهران و اصفهان پایه گذاری شدند و همه این کارخانه ها عطش خود به نیروی کار را از آذربایجان و زاگرس جنوبی تأمین کردند. نتیجه چنین سیاست های جمعیتی، در نهایت باعث شد اکثر روستاهای آذربایجان ویران شوند و تهران و شهرهای مرکزی به کانون های ثروت و قدرت تبدیل شوند. عدم توجه به منابع طبیعی، روستاها، زمین های

زراعی و حرف صنعت بومی منطقه، حاصلی جز فقر برای مردم آذربایجان و زاگرس جنوبی نداشت. نتیجه این نوع سیاست های جمعیتی رشد شدید نرخ مهاجرت از آذربایجان و حذف منابع اقتصادی منطقه و خروج صاحبان ثروت و سرمایه و نخبگان اقتصادی از آذربایجان و شکل گیری هسته های ثروت در پایتخت و حاشیه نشینی مهاجرین ترک، کرد و لر در حلی آبادهای اطراف تهران بود به طوری که در اول انقلاب بیش از ۴۰ درصد جمعیت نیروی کار پایین دست تهران را حاشیه نشینان فقیر حلی آبادها و شهرک های کارگر نشین مهاجر جنوب شهر تشکیل می دادند یعنی سیاست های جمعیتی نامتوازن نه تنها منجر به تبعات انسانی و اقتصادی در آذربایجان و جنوب زاگرس شد؛ بلکه موجب آثار اجتماعی مخربی بر روی جوامع قومی آذربایجان، کردستان و لرستان هم بود که اکنون نیز آثار مخرب این سیاست های جمعیتی بر زیست بوم مردم منطقه سایه افکنده است. نتیجه چنین سیاست های متضاد اصول توسعه پایدار، ابتلای جوامع انسانی این مناطق به بیماری فقر و عقب ماندگی مزمن است که هنوز هم نتوانسته اند از این اختاپوس رهایی یابند؛ زیرا امروز ثروت و امکانات در مناطق مرکزی، هر نوع اقدام جمعی و ملی را برای توزیع عادلانه ثروت و قدرت در نواحی حاشیه سدی می کند و به تداوم عدم تعادل ها کمک می کند.



بیمه ایران

نماینده گلی قلی زاده  
کد ۵۳۸۶



شهران، بالاتر از میدان دوم

مرکز خرید مهدی، طبقه اول، واحد ۲

۴۴۳۳۹۹۶۹



نماینده حزب اراده ملت در نطق میان دستور مجلس:

# بارف‌حصر، استفاده از مشاوره خاتمی و آغاز گفت‌وگوی ملی می‌توانیم از این بره عبور کنیم



دلان کوتاه شود کار مهمی کرده‌ایم. عضو فراکسیون امید مجلس دهم در ادامه صادرات را شریک اصلی تولید دانست و افزود: صادرات باید تقویت شود نه اینکه با قوانین مختلف کند شود که در همین راستا ضروری است پیمان ارزی و سامانه نیما پر داشته شده و بانرخ شناور کنترل شده به تولیدکنندگان و صادرکنندگان واقعی اعتماد شود چرا که در سامانه نیما رانت وجود دارد و مواردی از فساد برای جلوگیری نیت‌ها گزارش شده‌است. وی همچنین با تأکید بر اینکه باید واردات بدون ارز و خرید اجباری از واحدهای تولیدی معتبر را هموار کرد، در بار داشت: نباید از اعطای اختیارات به استان‌ها بترسیم که حتماً در حل مسائل مؤثر خواهد بود همچنین باید به مردم اعتماد کنیم، واقعیات را بگوئیم و وعده‌های غیر عملی ندهیم و حتی آن‌ها را در تصمیم سازی‌ها مشارکت دهیم حتی اگر در اجرای این مسئله نیاز به فرآیندوم باشد.

عضو کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس شورای اسلامی در پایان با بیان اینکه از دولت می‌خواهم اصل ۱۵ قانون اساسی را اجرا کرده و احیای دریاچه ارومیه را نیز جدی بگیرد، خاطر نشان کرد: آقای نوبخت به قول خود در باره احداث راه‌آهن میانه تیریز عمل کنید همچنین مشکل واحدهای تولیدی به خصوص قطعه سازان را حل کنید چرا که نوسادار و بعد از مرگ سهراب و حضور کارگران جلوی استانداری‌ها فایده نخواهد داشت.

کرد چرا که اتحاد ملت، حاکمیت و امنیت سیاسی و اقتصادی و نظامی را عملی می‌کند. این عضو حزب اراده ملت ادامه داد: باید با اعتماد به مردم به خصوص بخش خصوصی و نخبگان و حذف شرکت‌های خصولتی و دولتی، اقتصاد بدون نفت را تجربه کرد و در جهت حل مسائل روز و توسعه کشور اقدام داشت البته اگر جرأت داشته باشیم با در نظر گرفتن وضعیت مردم و ترمیم پرداخت و حقوق، کلیه یارانه‌ها را حذف کنیم تا دست

اقتصادی و اجتماعی وحدت مورد نیاز است، اظهار داشت: وقتی خودی و غیر خودی راه می‌اندازند و همه تلاش دارند یکدیگر را مورد حمله قرار دهند چگونه وحدت امکان پذیر است. وی افزود: اگر مهربانی در این ماه مبارک مدنظر باشد و حصر موسوی و کربوی لغو شود، زندانیان سیاسی آزاد شده و به خاتمی آزادی داده شده و از مشاوره وی و اطرافیان وی استفاده شده و گفتگوی ملی آغاز شود می‌توان از این بره حساس به راحتی عبور

هدف کسانی که مجلس معقول را که خواهان تصویب FATF است، می‌گویند، چیست عنوان کرد: باید دید این افراد چه هدفی داشته و چه منفعی را از دست می‌دهند که تا این حد علیه نمایندگان موافق جوسازی می‌کنند در حالی که اگر این موضوع حل نشود کشور قفل شده و ایرانیان خارج از کشور نیز دچار مشکل جدی می‌شوند. عضو حزب اراده ملت در مجلس دهم در ادامه با بیان اینکه برای حل مسئله سیاسی،

شهاب‌الدین بی‌مقدار نماینده مردم تبریز و عضو حزب اراده ملت در نشست علنی مجلس در نطق میان دستور خود با بیان اینکه حال که دشمن جمهوری اسلامی به نمایندگی ترامپ دستکش‌های جلدی را آشکار کرده و تحریم را عملی کرده سؤال این است که آیا تاکنون تحلیل درستی از علت تحریم داشته‌ایم، گفت: چرایی خواهیم هموار می‌کوبید لفظی دشمن مشکلات را حل کنیم در حالی که آن‌ها کاری جز کسب منافع نداشته و برای از پاد آوردن ما برنامه‌ریزی کرده‌اند پس مانیز باید برنامه برای جلوگیری از تحریم داشته باشیم. نماینده مردم تبریز، اسکو و آذرشهر در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: متأسفانه وزیر خارجه‌ای که با هدایت مقام معظم رهبری توانست کشور را از منشور هفت سازمان ملل بیرون کند، قطعنامه‌های مختلف راملغی کرده، قطعنامه‌های به نفع ایران صادر کند و برجام را عملیاتی کند به بهانه‌های مختلف می‌گوئیم در حالی که باید متحد و یکپارچه از وی پشتیبانی کنیم.

وی افزود: آقای ظریف که در باره پول شویی واقعی را گفت مرتب بمباران رسانه‌ای می‌کنند؛ مگر کسی در کشور است که نخواهد قانون پول شویی اجرا شده و انواع قاچاق از بین برود و همه چیز شفاف شود چنانچه به‌طور نمونه اجراء شدن قانون پول شویی باند قاچاق رایه دام انداخته و به میزان ۱۳ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان از فرار مالیاتی جلوگیری کرده‌است. بی‌مقدار در ادامه با بیان این پرسش که

اخبار

**بیانیه حزب اراده ملت ایران شعبه اهواز**  
 در حمایت از حقوق حقه همه اقشار جامعه به ویژه کارگران شریف شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه قسم به دستان کارگری که پیامبر اسلام بر آن‌ها بوسه می‌زند. ملت شریف و نجیب ایران از یاد نخواهیم برد که چرخ صنعت و رونق کشور جز با تلاش و کوشش شبانه‌روزی کارگران و زحمت‌کشان بزرگ‌منش و بی توقع این مرزوبوم، به گردش در نخواهد آمد و امروز که شاهد اعتراضات و خواسته‌های به حق آن‌ها هستیم، بزم است که پایه پای آن‌ها، بر نیازهای به حق ایشان تأکید کنیم چرا که چشم امید آن‌ها به ماست. حزب اراده ملت ایران شعبه اهواز، ضمن اعلام حمایت از حقوق حقه همه اقشار جامعه به ویژه کارگران شریف شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه از دولت محترم و سایر مسئولین ذی ربط درخواست دارد تا با پیگیری مصرانه تا رسیدن به مقصود که همانا تأمین خواسته‌های به حق این کارگران معزز می‌باشد، این مسئله را به سرانجامی سالم برساند.

**برگزاری جلسه حزب اراده ملت ایران شعبه گلستان بازگشایی دفتر آق‌قلا در استان**  
 به گزارش حامانیوز جلسه حزب اراده ملت شعبه گلستان برگزار شد. در این نشست پیرامون برنامه‌های آتی حزب بحث و تبادل نظر شد که با نظر اکثریت مقدمات کار برای بازگشایی دفتر آق‌قلا در دستور قرار گرفت. در ادامه شریفی دبیر حزب گزارشی از کارهای انجام شده را به اطلاع رساندند. اعضای حزب اراده ملت شعبه گلستان ضمن تشکر از دکتر هاشمی استاندار محترم گلستان جهت توجه به نیروهای توانمند بومی، ابراز امیدواری کردند که گزینه‌هایی معاونت‌های استانداری و همچنین دیگر مناصب از بین نیروهای بومی خلدوم و دلسوز انتخاب گردند.

## قائم‌مقام دبیر کل حزب اراده ملت ایران: منتقدان حزب اراده ملت از منافع خود هراس دارند

به گزارش حامانیوز دکتر علی شفتانی در نشست چهارشنبه‌های خوزستان به مهمت‌شاخه جوانان حزب اراده ملت ایران در استان در دفتر این حزب در اهواز اظهار کرد: شاخه جوانان این حزب در اهواز از شاخه‌های فعالان این حزب است و از جمله دستاوردهای مادرین جوانان فعالیت‌های خوبی است که در طول سال انجام می‌شود و امید است شعبه اهواز فردا انتخابات خوبی برگزار کند و پتانسیل این شهرستان در فعالیت سیاسی به کارگیری شود. وی افزود: شعبه اهواز از شعبه‌های نمونه کشور است و تاکنون شاهد فعالیت خوبی از این حزب بوده‌ایم.

قائم‌مقام دبیر کل حزب اراده ملت ایران ادامه داد: حزب اراده ملت ایران از جمله احزابی است که واقعا از پایین به بالا شکل گرفته و بر اساس نیازهای واقعی جامعه شکل گرفته است. وی بیان کرد: دانشجویان دوره کارشناسی دوره سیاسی دانشگاه تهران در سال‌های ۶۵ بنیان‌گذاران این حزب هستند و از آنجا که تاریخ معاصر ایران را مطالعه می‌کردند، نیاز به تشکیل این حزب را احساس کردند. شفتانی تصریح کرد: در طول ۱۰۰ سال گذشته خواسته‌های ملت تق‌تق‌تق مشابه و در محور ایجاد عدالت بوده‌ام آن‌گونه که باید محقق نشده، این سؤال مطرح بوده که چرا مجموعه تحولات تاریخی نتیجه مطلوب راه همراه ندارد.

وی ادامه داد: جلسات دانشجویان در کوی دانشگاه تهران برگزار می‌شد و نهایتاً در سال‌های ۷۵ به نوعی حزب شکل واقعی

به خود گرفت. قائم‌مقام دبیر کل حزب اراده ملت ایران قائم‌مقام دبیر کل حزب اراده ملت ایران گفت: انتخابات خرداد ۷۶ بستر مناسبی برای فعالیت‌های سیاسی حزبی ایجاد کرد و اعضای این هیئت به صورت رسمی کار خود را آغاز کردند. وی افزود: حزب اراده ملت ایران با هدف نظام‌مندسازی فعالیت سیاسی در کشور، پایین آوردن هزینه فعالیت سیاسی و جلوگیری از تحولاتی که به زیان کشور است، تشکیل شده و خود را موظف دانسته به دنبال راه‌هایی برای انعکاس مطالبات طبقات پایین به بالاتر برده است.

شفتانی تصریح کرد: حدوداً ۶ سال است که حزب اراده ملت ایران توجه خاصی به اهواز دارد چرا یکی از احزاب فعال در استان است. وی تصریح کرد: حزب مادر بدنه دولت نیست بلکه تنها دولت و مجلس را بر اساس آیین‌نامه‌های احزاب و سیاست‌های حزب، همراهی می‌کند. قائم‌مقام دبیر کل حزب اراده ملت ایران گفت: اصلاح طلبی یعنی اصلاح تدریجی و حل مشکلات کشور ما هیچ راهی غیر از اصلاحات ندارد تا بتوانیم فسادها را به حداقل برسانیم. وی گفت: تعدادی حزب پدرخوانده در کشور فعالیت می‌کنند که نمی‌توانند رقیبی را در کنار خود ببینند. اما حزب اراده ملت جزو سه حزب برتر کشور است و اینکه دیگران در خصوص فعالیت این حزب چه می‌گویند به دلیل ترس از منافع خود است

**خاطرات**  
 فصلنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی  
 شماره دوم پاییز ۱۳۹۷، ۷۲، شماره ۱۰۰۰۰ تومان

اعاده دادرسی  
 پس از چهل سال

شماره دوم فصلنامه «خاطرات» سیاسی (پاییز ۱۳۹۷) به صاحب‌امتیازی و مدیریت مسئولی احمد حکیمی پور سردبیری حسن اکبری بیرق منتشر و در اختیار خوانندگان و پژوهشگران حوزه مطالعات تاریخ سیاسی معاصر ایران قرار گرفت. این شماره «خاطرات سیاسی» از مطالب متنوعی تشکیل شده‌است. از جمله پرونده‌های تحلیلی درباره ماجرای اشغال سفارت امریکا با آثار و گفتاری از سید محمد موسوی خونی‌ها، ابراهیم اصغرزاده، محمد توسلی، عبدالحسین روح‌الامینی و...؛ تقویم خاطرات سیاسی پاییز، معرفی و بررسی کتاب، مقالات نظری درباره خاطر نگاری سیاسی و... همچنین از این شماره به بعد امکان آبونمان «خاطرات سیاسی» برای علاقه‌مندان فراهم شده‌است. این نشریه از مقالات تحلیلی، خاطرات سیاسی و نقد و بررسی کتاب‌های مربوط به این حوزه استقبال می‌کند.